



Mapping the Trends in Stylistics Studies of the Qur'an in Iran

Dr. Mohammad Mahdi Ajilian Mafogh  (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences and Islamic Jurisprudence, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Shiraz, Iran

Email: Majilian@shirazu.ac.ir

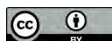
Younes Bamary 

Instructor, Islamic Azad University, Iranshahr Branch and PhD Candidate, Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University, Shiraz, Iran

Abstract

Employing content analysis and comparative study of the relevant works, this paper seeks to identify the major trends that have emerged in stylistics studies of the Qur'an in Iran, examining these trends in terms of their chronology, key figures, and distinctive features. The findings indicate that during the period spanning from the mid-1990s to the summer of 2024, Qur'anic stylistic studies in Iran have passed through three distinct phases: (1) the introduction of stylistic discussions, (2) their growth and expansion, and (3) the emergence of more sophisticated and critical stylistic methodologies. The first stage (mid-1990s to early 2000s) is marked by generality, lack of clear frameworks, limited applicability, and weakness in theoretical foundations. The second stage sees greater theoretical rigor, increased application to Qur'anic verses, a proliferation of studies—albeit often repetitive—and diversity in stylistic approaches. The third period is characterized by a focus on a single linguistic layer or a specific component of a linguistic layer, a deepening of studies, the emergence of a critical stylistic approach, and the establishment of links between stylistic studies and other branches of linguistics, such as semantics and pragmatics.

Keywords: analytical survey of the currents, linguistics, stylistics, Qur'anic studies.





جریان‌شناسی مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران

دکتر محمد مهدی آجیلیان مافوق (نویسنده مسئول)



استادیار بخش علوم قرآنی و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Email: Majilian@shirazu.ac.ir



یونس بامری

مری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایران شهر و دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

نوشتار حاضر به روش تحلیل محتوا و با مقایسه آثار، سعی در شناخت جریان‌های شکل گرفته در مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران دارد و در همین راستا، جریان‌های مورد نظر را از جهت زمان، افراد و ویژگی‌ها بررسی می‌کند. حاصل آنکه، دامنه زمانی اواسط دهه هفتاد شمسی تا تابستان ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران سه دوره را سپری نموده است: دوره ورود مباحث سبک‌شناسی، دوره رشد و گسترش این مباحث و دوره ظهور رویکردهای پیچیده‌تر سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی. این است که دوره اول، از ویژگی‌هایی چون کلی‌گویی و مشخص نبودن چهارچوب‌های مباحث، ابتدایی و غیر کاربردی بودن مطالعات و ضعف در بنیان‌های نظری برخوردار است؛ دوره دوم، با مشخصه‌هایی نظیر توجه به بنیادهای نظری، تطبیق مباحث بر آیات قرآن، تکرار پژوهش‌های صورت گرفته نسبت به دوره اول و نوعاً تکراری و توجه به رویکردهای سبک‌شناسانه متفاوت شناخته می‌شود؛ دوره سوم، خصوصیات شامل تمرکز بر یک لایه زبانی یا یک مؤلفه خاص از یک لایه زبانی، عمق بخشی به مطالعات، ظهور رویکرد سبک‌پژوهی انتقادی و ایجاد پیوند میان مباحث سبک‌شناسی با سایر مطالعات زبان‌شناسی، از جمله معناشناسی و کاربردشناسی دارد.

واژگان کلیدی: جریان‌شناسی، زبان‌شناسی، سبک‌شناسی، مطالعات قرآنی.

مقدمه

در باره جریان‌شناسی مطالعات سبک‌شناختی، در غرب مطالعات فراوانی انجام شده است، از جمله: اثر «جفرسون»^۱ و «رابی»^۲ (۱۹۸۲م) که در بخشی از کتاب خود به معرفی جریان‌های سبک‌شناختی، از جمله ساختارگرایی و پساساختارگرایی و فمینیسم می‌پردازد. همچنین «ایگلتون»^۳ (۱۹۸۳م) در اثر خود علاوه بر جریان‌های پیش‌گفته، به جریان‌هایی همچون فرمالیسم روسی، مارکسیسم و نقد روانکاوانه می‌پردازد. «تولان»^۴ (۱۹۹۸م) نیز به مواردی همچون سبک‌شناسی زبانی، روایی، شناختی و ادبی می‌پردازد. «لیچ»^۵ (۲۰۰۱م) در بخشی از کتاب خود به معرفی جریان‌های سبک‌شناختی، از جمله ساختارگرایی، پساساختارگرایی، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، رمانتیسم و فمینیسم می‌پردازد. «سیمپسون»^۶ (۲۰۱۴م) به جریان‌های سبک‌شناختی زبان‌شناختی، ادبی، کاربردی، انتقادی و گفتمانی و «بورک»^۷ (۲۰۱۷م) به جریان‌هایی همچون سبک‌شناسی شناختی، تاریخی، چندوجهی و تطبیقی می‌پردازد.

در میان عرب‌زبانان، «غذامی» (۲۰۲۰م) در اثر خود به معرفی جریان‌هایی همچون سبک‌شناسی ادبی، تحلیل گفتمانی و تحلیل بلاغی می‌پردازد. «شوقی» (۲۰۲۱م) افزون بر موارد پیش‌گفته، سبک‌شناسی کاربردی و تطبیقی را نیز مطرح کرده است. مسکینی (۲۰۲۲م) نیز تنها سبک‌شناسی بلاغی و شناختی را مطرح کرده است. از جدیدترین آثار عرب‌زبانان در این حوزه، اثر الزهراء (۲۰۲۳م) است که این اثر نیز به معرفی جریان‌های سبک‌شناسی به صورت کلی بسنده کرده است.

در ایران نیز افرادی مانند زرین کوب (۱۳۸۵)، قائمی (۱۳۹۴) و شفیع سروستانی (۱۳۹۵)، برخی جریان‌های سبک‌شناسی، از جمله سبک‌شناسی زبان‌شناختی، روان‌شناسانه، ساختارگرایانه، پساساختارگرایانه، فمینیستی و انتقادی را مطرح کرده‌اند. مهم‌ترین اثری که در میان پژوهشگران ایرانی تلاش کرده تا تمام جریان‌های سبک‌شناسی را به نوعی در خود جا دهد، کتاب فتوحی (۱۳۹۰) است.

متأسفانه تمام آثار نام‌برده، از منظر زبان‌شناختی، مطلق جریان‌های سبک‌شناسی را مورد مطالعه قرار داده‌اند و به بررسی حوزه‌های موضوعی یا منطقه‌ای در مطالعات سبک‌شناسی نپرداخته‌اند. از جمله حوزه‌های موضوعی مطالعات سبک‌شناسی، مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم است. این حوزه موضوعی،

1. Ann Jefferson

2. David Robey

3. Terry Eagleton

4. Michael Tolan

5. Leitch Vincent

6. Paul Simpson

7. Michael Burke

که در میان سبک‌پژوهان عرب و فارس قدمتی ۳۰ یا ۴۰ ساله دارد، از نقطه آغاز تا زمان انجام پژوهش (تابستان ۱۴۰۳) فرازونشیب‌های متفاوتی را به خود دیده است. از این منظر، جریان‌شناسی تاریخی مطالعات سبک‌شناسی قرآنی، هم در آثار عرب‌زبانان و هم در میان پژوهشگران ایرانی به شدت احساس می‌شود. پژوهش حاضر که تنها عهده‌دار جریان‌شناسی مطالعات سبک‌شناسی قرآنی در ایران است، می‌کوشد تا هم جریان‌های مختلف سبک‌شناسی فعال در مطالعات قرآنی را در میان پژوهشگران ایرانی این حوزه، در گذر تاریخ بررسی و معرفی کند و هم از میزان موفقیت یا عدم موفقیت این آثار تحلیلی ارائه دهد. اهداف این پژوهش عبارت‌اند از: درک و تحلیل عمیق‌تر متون تولیدشده در حوزه سبک‌شناسی قرآنی، مقایسه متون و میزان کارایی آن‌ها در تفسیر قرآن به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف مورد انتظار از پژوهش‌های سبک‌شناسانه، کمک به توسعه و استفاده بیشتر از رویکردهای نوین سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی و ترسیم افق‌های پیش‌رو برای این نوع مطالعات.

مسئله پژوهش حاضر، بررسی برابند کلی و تاریخی مطالعات سبک‌شناختی قرآنی در ایران از بدو ورود براساس دامنه زمانی اواسط دهه ۷۰ شمسی تا تابستان ۱۴۰۳ است.

روش پژوهش، تحلیل محتوا و مقایسه آثار از طریق جست‌وجوی نظام‌مند کلیدواژه‌هایی نظیر سبک‌شناسی، سبک‌شناسی لایه‌ای، سبک‌شناسی نقش‌گرا، انسجام متن، سبک‌شناسی گفتمانی، سبک‌شناسی تحلیل گفتمان، لایه نحوی + صرفی + بلاغی + آوایی + واژگان، انسجام متن، کنش گفتاری و سبک‌شناسی انتقادی در پایگاه‌های ایران‌داک، علم‌نت، نورمگز و تارنمای مجلات زبان‌شناسی و تکمیل داده‌ها با مرور پیشینه پژوهش‌ها، در حجم نمونه ۱۵۰ اثر است که از این میان، در متن مقاله صرفاً به ۴۵ مورد به عنوان نمونه به شکل توصیفی، ایجابی یا سلبی استناد شده است. عمده دلایل انتخاب این ۴۵ اثر بدین شرح است: اولین آثار تولیدشده برای شکل‌گیری یک جریان یا یک دوره خاص هستند یا اینکه رویکردهای جدیدی را در میان قرآن‌پژوهان به کار گرفته‌اند؟ برخی از آثار به دلیل تکراری بودن مباحثشان صرفاً اشاره و نقد شده‌اند. علاوه بر این، برخی آثار جنبه نوآوری داشته‌اند. علت عدم اشاره به سایر آثار این است که عمده این آثار چیزی جز تکرار آثار قبلی در قالب یک سوره جدید نیستند و عملاً کمکی به ایجاد یک جریان یا رویکرد جدید نکرده‌اند و بنابراین نتوانسته‌اند کمکی به مباحث پژوهش حاضر مبنی بر جریان‌شناسی کنند. این پژوهش درصدد است تا اولاً میزان تأثیرپذیری مطالعات سبک‌شناسی قرآنی از سبک‌شناسی جدید ادبی را مشخص کند؛ ثانیاً سیر کاربستی و تحول مطالعات سبک‌شناسی قرآنی در ایران را با ورود این نوع مطالعات به مباحث قرآنی ارزیابی و مقدار موفقیت یا عدم موفقیت آن را در هر دوره بررسی کند؛ ثالثاً با نگاهی آینده‌پژوهانه به مطالعات سبک‌شناسی قرآن، نقشه راهی برای مطالعات بعدی

در این حوزه برای جلوگیری از تکراری شدن آثار مربوطه و عمق‌بخشی به این نوع مطالعات ارائه دهد.

۱. سبک‌شناسی

کلمه سبک (اسلوب/style)، در لغت به معنای «ذوب کردن و در قالب ریختن»^۸ است. واژه اسلوب، به معنای فنّ و طریق است^۹ و عبدالقاهر جرجانی، استاد علمای بلاغت، آن را گونه‌ای از نظم می‌داند.^{۱۰} در تعریفی ساده از سبک، سبک را می‌توان شیوه نویسنده در انتخاب و چیدن کلمات برای بیان معانی با هدف شفاف‌سازی و تأثیرگذاری بر مخاطب یا مخاطبان دانست. به عبارت دیگر، هر شیوه خاصی برای استفاده از زبان، سبک است، به شرط اینکه این روش، ویژگی بارز یک نویسنده، مدرسه، دوره زمانی یا اثر ادبی باشد. سبک‌شناسی مدرن، از جمله شاخه‌های دانش زبان‌شناسی جدید است که به تحلیل دقیق سبک‌های ادبی یا انتخاب‌های زبان‌شناختی گویندگان و نویسندگان می‌پردازد.^{۱۱} تفاوت سبک‌شناسی با زبان‌شناسی بدین صورت است که هدف زبان‌شناسی، شناخت زبان به طور کلی و بدون نظر به خصوصیات فردی است تا نشان دهد که زبان چگونه کار می‌کند،^{۱۲} اما هدف سبک‌شناسی توجه به خصوصیات فردی یک متن است، اگرچه معیارها و ابزارهای خود را از زبان‌شناسی جدید می‌گیرد.^{۱۳} مأموریت سبک‌شناسی جدید، تجزیه و تحلیل پدیده‌های زبانی درخور توجهی است که در ساختار متن نهفته است.^{۱۴} خاستگاه سبک‌شناسی جدید ریشه در تمایزی دارد که «دو سوسور»^{۱۵} (۱۸۵۳-۱۹۱۳م) بین زبان و گفتار قائل شد که زبان، مخلوق انسان و نظامی از نشانه‌هاست که بیانگر افکار است^{۱۶} و بنابراین، ارزش بیانی تازه‌ای به سبک می‌دهد.^{۱۷} به گفته سوسور، «زبان» مجموعه‌ای از نظام‌ها و نمادهای انتزاعی است که در ذهن افراد یک گروه زبانی وجود دارد، درحالی‌که «گفتار» تحقق عملی آن نظام‌ها و نمادها در یک کاربرد معین گفتاری یا نوشتاری است.^{۱۸} این ایده، همان چیزی است که شاگرد سوسور، «شارل بالی»^{۱۹}

۸. فراهیدی، العین، ۳۱۷/۵.

۹. ابن منظور، لسان العرب، ۴۷۳/۱.

۱۰. جرجانی، دلائل الإعجاز، ۴۶۸/۱.

۱۱. ابوالعدوس، البلاغة و الاسلوب، مقدمات عامه، ۱۶۱.

۱۲. راجحی، علم اللغة و النقد الادبی (علم الاسلوب)، ۱۱۶.

۱۳. جبر، الدراسات الاسلوبية العربية بين النظرية و التطبيق، ۲۷.

۱۴. عبدالمطلب، البلاغة و الاسلوب، ۲۷۲.

15. Ferdinand de Saussure

۱۶. سوسور، دورة زبان‌شناسی عمومی، ۲۳.

۱۷. درویش، الاسلوب و الاسلوبية، ۶۴.

۱۸. سوسور، دورة زبان‌شناسی عمومی، ۲۱.

19. Charles Bally

(۱۸۶۵-۱۹۴۷م) را به مطالعه سبک از طریق روش‌های زبانی کشاند. براین اساس است که بالی را منشأ سبک‌شناسی می‌داند. او اولین کتاب خود را با عنوان «پژوهشی در سبک‌شناسی فرانسوی»^{۲۰} در سال ۱۹۰۲ میلادی منتشر کرد و آن را علمی دانست که واقعیت‌های بیانی زبان را از نظر محتوای عاطفی آن مطالعه می‌کند.^{۲۱}

در طول سده اخیر، جریان‌های مختلف سبک‌شناسی به دلیل تعدد نگاه‌ها به مطالعه سبک ادبی، در قالب رویکردهای گوناگونی از این دست شکل گرفته است: رویکرد بیانی،^{۲۲} رویکرد فردی،^{۲۳} رویکرد ساختاری^{۲۴} و رویکرد کارکردی.^{۲۵} همچنین جریان‌های مختلف سبک‌شناسی در عصر حاضر، به چهار رویکرد تقسیم می‌شوند: سنتی، زبان‌شناسانه، آماری و فرهنگی-اجتماعی.^{۲۶}

۲. ریشه سبک‌شناسی در زبان عربی

با اینکه بسیاری از محققان منشأ سبک‌شناسی در زبان عربی و آیات قرآن را به نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۱ یا ۴۷۴ق) در کتاب دلائل الاعجازش نسبت می‌دهند^{۲۷} اما تحقیقات سبک‌شناسی را می‌توان به ماقبل او و در تحقیقات زبان‌شناسان اولیه اسلامی مانند خلیل بن احمد (م ۱۷۵ق)، سیبویه (م ۱۸۰ق) و ابن جنی (م ۳۹۲ق) پی جویی کرد. برای نمونه، ابن جنی^{۲۸} و سیبویه^{۲۹} درباره سطح آوایی، به ماهیت رابطه بین کلمه و ساختار آوایی آن و تناسب بین این ساختار و معنایی که به تنهایی یا در جمله بر آن دلالت می‌کند، پرداخته‌اند. همچنین درباره سطح صرفی، سیبویه،^{۳۰} ابن جنی^{۳۱} و زمخشری^{۳۲} به دلالت مشترک بین صیغه‌ها در زمینه‌های مختلف و تطابق بین صیغه‌ها و معانی (دلالت مرکزی) اشاره کرده‌اند. به همین ترتیب، زبان‌شناسان گذشته بین معنای صیغه‌ها و کلمات، میان مواردی که به تنهایی یا همراه با یک

20. A treatise on French stylistics

۲۱. فضل، بلاغة الخطاب و علم النص، ۱۷.

۲۲. جیرو، الأسلوبية، ۴۵.

۲۳. جیرو، الأسلوبية، ۷۴.

۲۴. جیرو، الأسلوبية، ۱۱۵.

۲۵. جیرو، الأسلوبية، ۹۹.

۲۶. نک: فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۲۵-۱۲۶.

۲۷. نک: هندای، مستويات دلالة الكلمة بين البلاغة والاسلوبية، ۳۴۶-۳۵۰.

۲۸. ابن جنی، الخصائص، ۱۵۲/۲.

۲۹. سیبویه، الكتاب، ۲۴۱/۲.

۳۰. سیبویه، الكتاب، ۲۱۸/۲.

۳۱. ابن جنی، الخصائص، ۱۵۲/۲.

۳۲. زمخشری، الکشاف، ۱۵۹/۳.

ترکیب به کار می‌رفتند، تفاوت قائل می‌شدند.^{۳۳} همچنین در مطالعات اولیه کسانی چون ابوعبیده، فراء، ابن‌قتیبه، باقلانی و... دیدگاه‌های تازه‌ای در خصوص نظارت بر دگرگونی‌های صیغه‌ها و تغییرات معنایی در قرآن یافت می‌شود.^{۳۴} بااین‌حال، این موضوع در قرون بعدی توسعه بیشتری داشته، تا جایی که علاوه‌بر تحلیل نحوی، تفاسیر تخصصی در توجه به تجزیه و تحلیل صرفی، ظاهر شده است. این در حالی است که علاقه به تبیین معانی لغوی و سیاقی کلمات در همه کتب تفسیری، از جمله المحرر الوجیز، از ابن‌عطیه (م ۵۴۲ق)، البحر المحیط، از ابوحیان اندلسی (م ۷۴۵ق)، روح المعانی، از آلوسی (م ۱۲۷۰ق) و التحریر و التنویر از ابن‌عاشور (م ۱۳۹۳ق) تا امروز باقی مانده است که بیانگر آن است که زبان‌شناسان و مفسران در مطالعه قرآن از این رویکرد غافل نبوده‌اند، خصوصاً اینکه تفسیر التحریر و التنویر تقریباً به تحلیل سبک‌شناسی معاصر بسیار نزدیک است.

۳. سبک‌شناسی جدید در ایران و جهان عرب

ورود مباحث سبک‌شناسی جدید به ایران را باید در دهه ۱۳۲۰ شمسی و در کتاب سه جلدی ملک الشعرای بهار، با عنوان سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی جست‌وجو کرد. ایشان در مقدمه این کتاب به تعریف اصطلاحی از سبک‌شناسی می‌پردازد و می‌کوشد با همین تعریف، سیر تطور نثر فارسی را بررسی کند. بهار در این کتاب به شناخت خصوصیات صرفی و نحوی زبان پارسی هر دوره و واژگان و کیفیت تعبیر هر صاحب اثر بیشتر از مضمون و محتوا و طرز ادراک تکیه کرده است.^{۳۵} شاگردان بهار در ادامه راه او، در آثار خود به مباحث سبک‌شناسی پرداخته‌اند؛ افرادی مانند اختیار، محبوب، خطیبی، زرین‌کوب و در نسل بعد، شفیعی کدکنی، پورنامداران، شمیسا، حق‌شناس، موحد و... که در تثبیت دانش سبک‌شناسی در ادبیات پارسی نقش بسزایی ایفا کرده‌اند.^{۳۶}

در خصوص سبک‌شناسی در میان عرب‌زبانان معاصر شاید مطالعه الطرابلسی (۱۹۸۱م) را، که سبک‌شناسی کاربردی دیوان اشعار احمد شوقی است، بتوان اولین اثر در زمینه سبک‌شناسی کاربردی در جهان اسلام دانست. اولین اثر در خصوص مطالعات سبک‌شناسی قرآنی در زبان عربی، مربوط به «عدم‌ان» (۱۹۹۰م) است که به بررسی سبک‌شناختی سورة فرقان در سطوح زبانی مختلف می‌پردازد. بعد از او «هنداوی» (۱۹۹۶م) با استفاده از کتاب الطرابلسی تحقیقی در خصوص سطح صرفی سورة نازعات

۳۳. جرجانی، دلائل الاعجاز، ۵۴۰.

۳۴. نک: هنداوی، مستويات دلالة الكلمة بين البلاغة و الأصولية، ۳۷۵-۳۹۸.

۳۵. یوسفی، «نظری به سبک‌شناسی استاد بهار»، ۸۵.

۳۶. زرین‌کوب، شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، ۱۷۳.

به‌عنوان بخشی از پایان‌نامه دکتری‌اش انجام می‌دهد که این اثر، یکی از اولین آثار در حوزه مطالعات سبک‌شناسی کاربردی در خصوص قرآن به شمار می‌رود. سپس هندای مطالعه سبک‌شناختی خود درباره سورة نازعات را توسعه داد و آن را با عنوان «سورة النازعات: قراءة اسلوبية» در سال ۲۰۰۱ میلادی منتشر کرد. پس از هندای، مطالعات سبک‌شناختی فراوانی درباره سورة‌های قرآن کریم از سوی دانشمندان جهان عرب و مسلمان صورت گرفت و همچنان این روند ادامه دارد.

۴. ادوار سه‌گانه مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران

از اواسط دهه ۷۰ شمسی تا تابستان ۱۴۰۳ که دامنه این پژوهش را شامل می‌شود، می‌توان از وجود سه دوره در مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران نام برد: ۱. دوره ورود مباحث سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی؛ ۲. دوره رشد و گسترش مباحث سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی؛ ۳. دوره ظهور رویکردهای پیچیده‌تر سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی.

۴.۱. ورود مباحث سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی

نخستین دوره، که از اواسط دهه ۷۰ شمسی شروع و تا اواخر دهه ۸۰ ادامه یافت، دوره ورود مباحث سبک‌شناسی جدید به حوزه مطالعات قرآنی است. ویژگی این دوره را باید کلی‌گویی درباره مباحث سبک‌شناسی دانست که برخی از رویکردها اشاره‌وار مطرح می‌شوند و از مباحث بنیادین و کاربردی سبک‌شناسی درباره آیات قرآن اثری دیده نمی‌شود. در این دوره، باتوجه به عدم‌آشنایی کافی پژوهشگران قرآنی با مباحث سبک‌شناسی جدید، حدود و ثغور مباحث سبک‌شناسی راجع به قرآن روشن نیست و حتی بنیان‌های نظری این شاخه جدید زبان‌شناسی در مطالعات قرآنی در میان پژوهشگران این حوزه ناشناخته است، به همین دلیل چالش عمده این دوره را می‌توان عدم تفکیک میان سبک‌شناسی لغوی و اصطلاحی دانست.

در این دوره، توجه به مباحث سبک‌شناسی در حوزه مطالعات قرآنی، نه از جهت الهام‌گرفتن از مطالعات سبک‌شناسی نظم و نثر پارسی، بلکه از جهت مطالعه آثار سبک‌شناختی دانشمندان جهان عرب است. این مسئله را می‌توان از اولین آثاری که در این زمینه کار شده است به‌خوبی دریافت که تکیه مباحث سبک‌شناسی آن‌ها بر مطالعات عرب‌زبانان در این موضوع است. در این زمینه می‌توان از کتاب «سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن»، از محمدکریم کواز (۱۳۸۷) و کتاب خلود العموش (۱۳۸۸)، محقق عرب‌زبان، با نام «گفتمان قرآن؛ بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن»، که هردو توسط سیدحسین سیدی ترجمه شده و کتاب «سبک‌شناسی قرآن کریم؛ تحلیل زبانی»، اثر عبدالرئوف حسین (۱۳۹۰) با

ترجمه پرویز آزادی نام برد. کتب کواز و حسین گرچه مباحث سبک‌شناسی لایه‌ای را مطرح می‌کنند، اما از سبک‌شناسی لایه‌ای یک سوره خاص در آن‌ها خبری نیست و تنها کتاب العموش است که علاوه بر اینکه مباحث تحلیل گفتمانی را وارد فضای قرآنی ایران کرد، به بررسی مبانی مباحث گفتمان، رابطه متن با بافت و موقعیت، توجه دانشمندان مسلمان گذشته و عرب‌زبانان معاصر به این رابطه و درنهایت، تحلیل بخش‌هایی از سوره فاتحه با نگاه تحلیل گفتمانی پرداخته است. کتاب مذکور که کتابی پرفایده برای آشنایی با تحلیل گفتمانی است عمدتاً به عنوان منبع برای پژوهش‌های بعدی با این رویکرد محسوب می‌شود.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۱	مقاله	محمد دیانتی	۱۳۷۵	«پیش‌درآمدی بر سبک‌شناسی قرآن»
۲	مقاله	سیدمحمدتقی طیب	۱۳۷۹	«تحلیل کلام خدا (بحثی گفتمانی پیرامون متن قرآن مجید)»
۳	مقاله	سیدموسی صدر	۱۳۸۰	«فلسفه مردانه بودن گفتمان قرآنی»
۴	پایان‌نامه	آشور قلیچ پاسبه	۱۳۸۱	«اسلوب ندا در قرآن»
۵	مقاله	ابوالفضل ساجدی	۱۳۸۱	«نظریه کنش‌گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن»
۶	کتاب	محمد فاضلی	۱۳۸۲	پژوهشی در برخی از شیوه‌های بیان قرآن کریم
۷	کتاب	سیدحسین سیدی؛ محمدعلی کاظمی تبار	۱۳۹۳	سبک‌شناسی خطاب‌های خداوند به پیامبر اکرم (ص)

در اشاره به برخی از آثار نگارش شده در این دوره، توجه به نکات ذیل مناسب است:

پژوهش دیانتی (۱)، نخستین گام در توجه به ظرفیت عظیم قرآن به عنوان نمونه‌ای برای پژوهش‌های سبک‌شناسانه توسط پژوهشگران ایرانی است که در اواسط دهه ۷۰ شمسی انجام شده است. در این پژوهش، به صورت فهرست‌وار از ظرفیت‌های فراسبکی، فرازبانی و فراهنجاری قرآن، توجه به لایه‌های مختلف زبانی و نیز سبک‌شناسی قرآن با استفاده از رویکردهای ساختارگرا، توصیفی، نقش‌گرا، تکوینی و آماری، توجه به کلام معصومان (ع)، جنبه تأویلی آیات در جهت سبک‌شناسی قرآن و... سخن به میان آمده است؛ بدون اینکه به گونه عملی به این مباحث پردازد و آن‌ها را بر قرآن تطبیق کند. این پژوهش که در زمان خود پژوهشی آینده‌پژوهانه در حوزه مطالعات زبان‌شناسی قرآن است، نقطه شروعی بر پژوهش‌های سبک‌شناسی قرآن به شمار می‌آید، اگرچه ایده نگارنده در میان قرآن‌پژوهان ایرانی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و اولین پژوهش‌های کاربردی سبک‌شناختی قرآن، حدود ۱۵ سال بعد آغاز می‌شود.

پژوهش ساجدی (۵) در اوایل دهه هشتاد، آغازی بر رویکرد سبک‌شناسی گفتمان قرآنی است. این پژوهش، بدون بسط و توضیح لازم صرفاً به برخی از کنش‌های گفتاری و عاطفی قرآن اشاره می‌کند. گفتنی است: پژوهش‌های طیب (۲)، صدر (۳)، قلیچ (۴)، فاضلی (۶)، در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ و حتی برخی آثار در دهه ۹۰؛ مانند پژوهش سیدی و کاظمی تبار (۷)، تنها ادامه‌ای بر پژوهش‌های بلاغی قدیم هستند، نه پژوهشی در سبک‌شناسی جدید. در این پژوهش‌ها عموماً مراد از سبک یا اسلوب یا گفتمان و حتی سبک‌شناسی و گفتمان‌شناسی، همان معنای لغوی آن‌هاست؛ نه معنای اصطلاحی جدید در حوزه مباحث زبان‌شناسی مدرن و نه سبک‌شناسی قرآن با استفاده از رویکردهای لایه‌ای یا گفتمانی.

۲.۴. رشد و گسترش مباحث سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی

دوره دوم که از اواخر دهه ۸۰ آغاز و تا اواسط دهه ۹۰ ادامه دارد، دوره رشد نسبی مطالعات سبک‌شناختی قرآنی است. در این دوره، هم از رویکردهای مختلف سبک‌شناسی در تحلیل آیات قرآن استفاده می‌شود و هم مطالعات از حالت ابتدایی و نوپای خود خارج شده و به سمت تخصصی شدن پیش رفته‌اند.

مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

ا. برخلاف سایر مطالعات سبک‌شناسی ادبی در دنیا و ایران که تقریباً فاصله زمانی چندساله‌ای میان مباحث نظری و مباحث کاربردی و نمونه‌های عملی وجود دارد، در حوزه مطالعات سبک‌شناسی قرآنی فاصله مذکور عملاً وجود ندارد و مطالعات سبک‌شناسی مستقیماً روی خود آیات قرآن پیاده می‌شود، بدون اینکه به بنیان‌های نظری کار داشته باشد و به نقاط قوت و ضعف این مطالعات درخصوص قرآن پرداخته شود و همین باعث می‌شود که هنوز این مطالعات با ضعف بنیان‌های نظری روبه‌رو باشد.

ب. از ویژگی‌های این دوره باید به ابتدایی بودن مباحث، هم در حوزه نظری و هم در حوزه کاربردی اشاره کرد که کمتر به جنبه‌های تخصصی پرداخته می‌شود و عمده مباحث به‌طور کلی و بدون ذکر شواهد کافی برای هر لایه آورده می‌شود. از این‌روست که در مطالعات صورت گرفته، سخن از بررسی تمام سطوح زبانی است اما در عمل، تنها بخشی از سطوح، آن هم به‌طور ناقص بررسی می‌شوند.

ج. از ویژگی‌های دیگر این دوره، کارکرد تکرارگونه مطالعات سبک‌شناسی است؛ بدین معنا که، یک اثر با یک رویکرد سبک‌شناسی مشخص خلق می‌شود و بقیه پژوهشگران صرفاً با همان روش مقاله اولیه آثار متعددی خلق می‌کنند و تنها فرق مقاله‌ها، تفاوت در موضوع انتخابی است که حاکی از نوعی رکود و درج‌ازدن در استفاده از روش‌های سبک‌شناسی جدید است. گرچه که این آفت در بسیاری از

مطالعات جهان وجود دارد و منحصر به مطالعات قرآنی نمی‌شود، اما چون هدف از استفاده از رویکردهای جدید در مطالعات قرآنی فهم جدید از آیات و کشف روش‌های نو در بررسی آیات است؛ لذا تکرار مباحث، ازجمله موانع رسیدن به این اهداف است. البته باید گفت که این تکرارگونه در دوره بعدی نیز به‌وفور مشاهده می‌شود که منجر شده بسیاری از مطالعات، نه ابزار جدید سبک‌شناختی و نه روش جدید و نه حتی تبیین مبانی نظری داشته باشند.

د. در این دوره، برخی از مطالعات با استفاده از یک ابزار خاص سبک‌شناسی یا یک سطح خاص از سبک‌شناسی نیز مشاهده می‌شود که گرچه غنا و عمق لازم را ندارند، اما نویدبخش مطالعات تخصصی پیرامون لایه یا مؤلفه‌ای خاص از یک لایه را می‌دهند و درواقع، این‌ها را می‌توان نمونه‌های اولیه برای دوره بعدی دانست که هنوز نتوانسته‌اند جایگاه مهمی در مطالعات قرآنی پیدا کنند.

ه. به نظر می‌رسد در این دوره درک ناکافی از ظرفیت‌های زبان‌شناسی مدرن در میان قرآن‌پژوهان معاصر، ناشی از وابستگی به ابزارها و پیش‌فرض‌های سنتی تفسیر (مانند صرف، نحو و بلاغت) است که موجب شده است دانش‌های نوین در برخی از موارد، ادبیات مدرن را امتداد طبیعی سنت‌های گذشته تلقی کنند. این نگرش در پژوهش‌هایی مانند تأکید خاقانی و اصغری بر پیوند عمیق بلاغت قدیم و سبک‌شناسی جدید،^{۳۷} ادعای مؤمن‌نژاد و همکاران درباره یکسانی معیارهای بلاغت و زبان‌شناسی جدید،^{۳۸} استناد حسنونند به هم‌پوشانی نظریه کنش‌گفتاری با بلاغت اسلامی^{۳۹} و کوشش سادات‌الحسینی و دیگران برای یافتن اشتراکات میان نظریه «نظم» جرجانی و نقش‌گرایی هلیدی بازتاب یافته است.^{۴۰} حتی برخی محققان، این دو حوزه دانشی را کاملاً همسان می‌دانند.^{۴۱} چنین رویکردی بدون نقد جدی مانع از بهره‌گیری اصیل و تحلیلی از چهارچوب‌های زبان‌شناسی مدرن در مطالعات سبک‌شناسی قرآن شده است. در این دوره، پژوهشگران قرآنی با مطالعه آثار سبک‌شناسی عرب‌زبانان به‌طور عام و فارس‌زبانان فعال در حوزه مطالعات ادبی به‌طور خاص، به شناخت قابل ملاحظه‌ای از رویکردهای سبک‌شناسی دست یافته‌اند و سعی‌شان بر آن است تا این مباحث را به‌گونه‌ای کاربردی و مصداقی بر آیات قرآن تطبیق کنند. در همین راستا، مطالعات سبک‌شناختی قرآن با رویکردهایی، ازجمله رویکرد بیانی یا لایه‌ای، گفتمانی، نقش‌گرا و ساختارگرایانه دنبال می‌شود که در ادامه به نمونه‌های آن می‌پردازیم.

۳۷. خاقانی، اصغری، «سبک‌شناسی سورة مريم (ع)»، ۹۴.

۳۸. مؤمن‌نژاد و همکاران، «سبک‌شناسی سورة نازعات»، ۷۷.

۳۹. حسنونند، «تحلیل متن سورة مريم براساس نظریه کنش‌گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل»، ۴۹.

۴۰. سادات‌الحسینی و همکاران، «بررسی و تحلیل نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی در پرتوی نظریه نقش‌گرایی هلیدی»، سراسر اثر.

۴۱. نصرتی و همکاران، «سبک‌شناسی سورة ذاریات»، ۲۰۴.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۸	مقاله	علی حاجی خانی	۱۳۹۱	«الاسلوب و الاسلوبیه و عناصر الاسلوب الادبی من منظور القرآن الکریم»

همچنین در این دوره، توجه به مبانی نظری سبک‌شناسی قرآنی که جای خالی آن احساس می‌شد، با اثر حاجی‌خانی (۸) آغاز می‌شود. در این اثر به برخی از مهم‌ترین تفاوت‌های مبنایی سبک‌شناسی اسلامی با سبک‌شناسی غربی و نیز عناصر سبک، از جمله ایمان به غیب، تقدس کتاب الهی، نیت و... اشاره شده است.

۴.۲.۱. رویکرد بیانی یا لایه‌ای

این رویکرد که از آن با عنوان رویکرد لایه‌ای یا سطوح زبانی نیز یاد می‌شود، پرتکرارترین نوع مطالعه سبک‌شناسی در ایران به طور عام و در مطالعات قرآنی به طور خاص است، به گونه‌ای که بیشترین مقاله‌ها و کتب سبک‌شناسی در حوزه نظم و نثر پارسی و نیز حوزه قرآن براساس این رویکرد تألیف شده‌اند. این رویکرد که مهم‌ترین رویکرد سبک‌شناسی ایران است، با آثار ملک‌الشعراى بهار و شاگردانش که به سطوح زبانی اهتمام داشته‌اند، شناخته می‌شود.

در روش سبک‌شناسی بیانی یا لایه‌ای، سبک‌شناس در سطح آوایی به تناسب اصوات با معانی، مقام و سیاق از حیث دارا بودن حروف بر تفخیم، ترقیق، جهر، همس (زمزمه)، انطباق، افتتاح، مدّ، لین، اظهار، ادغام، تنوین، اخفاء، استعلاء، تجانس، تعادل و... می‌نگرد. در سطح صرفی، به تناسب صیغه کلمه از نظر اسم یا فعل یا مشتق بودن آن، که اگر اسم است به تناسب وزنی که بر طبق آن آمده و اگر فعل است در دلالتش بر ماضی یا مضارع یا امری بودن یا ثلاثی و رباعی بودن و اگر مشتق باشد به اینکه اسم فاعل یا اسم مفعول یا صیغه مبالغه و... و نیز به تناسب همه موارد مذکور با سیاق و مقام می‌پردازد. در سطح نحوی به اجزای ترکیب‌ها از حیث تقدیم و تأخیر، حذف یا ذکر، جدایی یا اتصال، ایجاز یا اطناب، تعریف و تنکیر، خبر یا انشا و دیگر مطالبی که در مباحث معناشناسی و سایر مطالعات سبک‌شناسی مدرن ذکر کرده‌اند، توجه و دقت می‌کند.^{۴۲}

در سطح واژگانی و تصویری به تصویر معنایی موجود در این کلمات و ترکیبات از طریق تشبیه، استعاره، کنایه و انواع مجاز که در علم بیان به تفصیل آمده است و همچنین به تصویر هنری که ترکیبات و کلمات در بر دارند، که ابزارهای مختلف آوایی، واژگانی، صرفی، نحوی (دستوری) که قبلاً توضیح داده شد، می‌نگرد. همچنین به ابزارهای تحسین و تزیین آن می‌نگرد که عبارت‌اند از: سجع، جناس، مطابقه،

۴۲. هندای، التفسیر الاسلوبی للقرآن الکریم؛ عرض و تقویم، ۴۷.

التفات، احتراس، تکمیل، تتمیم و دیگر مباحثی که بلاغیون در علم بدیع ذکر کرده‌اند، که هم در ترسیم تصویر زیبا و هم در روشن کردن معنا که چیزی جدید و مفید را به ارمغان آورد.^{۴۳} همچنین سبک‌شناس به دلالت‌های فنی موارد پیش‌گفته و ارزش آن‌ها و نیز تطابق آن‌ها با مقتضای حال نیز توجه و دقت دارد.^{۴۴}

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۹	مقاله	محمد خاقانی و محمد جعفر اصغری	۱۳۸۹	«سبک‌شناسی سورة مریم (ع)»
۱۰	مقاله	نصرالله شاملی	۱۳۹۰	«دراسة اسلوبية في سورة ص»
۱۱	مقاله	علی نظری، کبری خسروی، سمیرا جدی	۱۳۹۱	«سبک‌شناسی سورة تکویر»
۱۲	پایان‌نامه	فرشته بهرامیان	۱۳۹۲	«بررسی سبک‌شناسی سورة توبه»
۱۳	مقاله	قادر قادری	۱۳۹۲	«سبک‌شناسی استعارة تمثيلية در قرآن کریم»
۱۴	مقاله	حسین کیانی و سمانه قلاوند	۱۳۹۳	«الظواهر الاسلوبية في سورة الانعام»
۱۵	پایان‌نامه	فاطمه گلچ	۱۳۹۳	«سبک‌شناسی سورة یس»

آغاز مباحث سبک‌شناسی بیانی در حوزه مطالعات قرآنی به اواخر دهه ۸۰ به اثر خاقانی و اصغری (۹) بر می‌گردد که اولین اثر در زمینه سبک‌شناسی کاربردی قرآن با رویکرد توصیفی-بیانی است و مشخصاً برخی از آیات قرآن را تحلیل سبک‌شناسانه کرده است. در این اثر، آیات سورة مریم از این جهت‌ها بررسی شده است: واژگان، ترادف، مشترک لفظی، تکرار، افراد، جمع، تعریف، تنکیر و آواشناسی. در این اثر از رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای نامی برده نشده است، از این‌رو به ساختار و ریز مباحث این رویکرد پابندی دیده نمی‌شود و تنها برخی از لایه‌های سبک‌شناسی بررسی می‌شوند. همچنین به مباحث و مبانی نظری این رویکرد پرداخته نمی‌شود. در هر حال، این اثر را می‌توان نقطه‌شروعی برای مطالعات سبک‌شناختی لایه‌ای قرآن دانست.

اثر بعدی، با فاصله یک سال، اثر «شاملی و حسنعلیان» (۱۰) به زبان عربی است که برای اولین بار از سطوح صوتی، دلالتی، ترکیبی و تصویری سخن می‌گوید. در این اثر، همچنان از سطوح صرفی و نحوی سخنی به میان نیامده و در سطح ترکیبی نیز تنها به تکرار و استفهام اکتفا شده است اما در مقایسه با اثر

۴۳. هندای، التفسیر الاسلوبی للقرآن الکریم؛ عرض و تقویم، ۴۸.

۴۴. هندای، التفسیر الاسلوبی للقرآن الکریم؛ عرض و تقویم، ۴۸.

قبل، از نظم ساختاری بهتری برخوردار است و تاحدودی به مبانی نظری این رویکرد هم توجه شده است. این اثر نوید عمیق بخشی به مطالعات سبک‌شناختی قرآنی با رویکرد لایه‌ای است.

اثر «نظری و همکاران» (۱۱) تاحدودی نسبت به مقالات قبلی از گستردگی بیشتری از لحاظ بررسی لایه‌ها برخوردار است. همچنین اثر «بهرامیان» (۱۲) با شواهد بیشتری در سبک‌شناسی لایه‌ای سوره همراه است. اثر «قادری» (۱۳) حاکی از نگاه جزئی و مطالعه موردی به سبک‌شناسی است و در آن به بررسی مواردی همچون تعریف و تنکیر، تقدیم و تأخیر، استفهام، امر و تکرار می‌پردازد که حاکی از این است که تنها سطح نحوی را، آن هم به‌طور ناقص بررسی کرده است. علی‌رغم نواقص روشی، این اثر را می‌توان نویدبخش مطالعات تخصصی در یک مؤلفه خاص سبک‌شناسی دانست. اثر «کیانی و قلاوند» (۱۴) اگرچه از بررسی سطوح زبانی به‌طور کامل در سوره انعام سخن می‌گوید؛ اما در عمل تنها عنصر تکرار، تقدیم و تأخیر، استفهام، التفات و حوار را، که تنها برخی از مؤلفه‌های لایه نحوی و بلاغی است، بررسی می‌کند و به بقیه لایه‌ها نمی‌پردازد. اثر «گلیچ» (۱۵)، اثری متمایز است که سوره یس را با رویکردهای مختلفی از این دست تحلیل می‌کند: رویکرد لایه‌ای، نقش‌گرا و ساخت‌گرا. این اثر، نمونه جدیدی از ترکیب رویکردهای مختلف برای تحلیل جامع یک سوره است.

۲.۲.۴. رویکرد ساختارگرا

این رویکرد، که در اواسط قرن بیستم میلادی و متأثر از ساختارگرایان در آثار افرادی مانند «پی‌یر گویراود»^{۴۵} (۱۹۷۰م)، «آخمانوف»^{۴۶} (۱۹۷۹م) و «تیلور»^{۴۷} (۱۹۸۰م) رواج یافت، بر این اصل بنا شده است که هر سازه زبانی، در ارتباط با دیگر سازه‌ها ارزش می‌یابد. در این روش، معنا و دلالت، ارزشمند اما فرعی است و هدف، کشف روابط پنهان میان سازه‌هاست.^{۴۸} سبک‌شناس ساختارگرا در پی آن است که از شکل و ساخت به معنای پیام پی ببرد، بدین شکل که باید عناصر جزئی را با یکدیگر و در رابطه با کل سیستم بررسی کند.^{۴۹} بنابراین، هر جزئی بدون در نظر گرفتن سایر اجزا و نیز بدون در نظر گرفتن کل سیستم هیچ معنایی ندارد. ساختارگرایان به جای بررسی زندگی نویسنده و تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی و... بر او و نوشته‌اش، صرفاً به بررسی ساختارهای ادبی-زبانی متن می‌پردازند. ساختارگرایان می‌خواهند بدانند متن چگونه معنا می‌دهد، نه اینکه چه معنایی می‌دهد.^{۵۰} سبک‌شناس به دنبال این است که چگونه میان

45. Pierre Guiraud

46. Akhmanov. O.

47. Talbot Taylor, J.

۴۸. جیگاره، صادقی، «بررسی و تحلیل سوره انفطار با تکیه بر نظریه ساختارگرایی»، ۵۱.

۴۹. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۶.

۵۰. صدقی، پرنوش، «سبک‌شناسی ساختارگرایانه خطبه ۸۷ نهج البلاغه»، ۱۷۷.

آواها، واژگان، ترکیبات و ساخت‌های نحوی و بلاغی جمله‌ها تناسب‌های ساختاری وجود دارد و از دل آن ساختارها و تناسب‌ها، ویژگی‌های سبکی اثر را شناسایی می‌کند.^{۵۱} سبک‌شناس براساس سطوح آوایی، ترکیبی (نحوی) و معنایی به بررسی متن می‌پردازد؛ بدین صورت که، در سطح آوایی، مباحثی چون تکرار اصوات مد، تکرار حروف و تطابق صفات آن‌ها با معنای آیات و همچنین فاصله آیات بررسی می‌شود؛ در سطح دلالت‌های ترکیبی، جمله‌های خبری و انشایی و در ذیل آن، اسالیب امرونی، استفهام، تأکید، تعریف و تنکیر مدنظر قرار می‌گیرد و در سطح معنایی، صنعت تضاد، ترادف، استعاره و جناس را بررسی می‌کند.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۱۶	پایان‌نامه	الهام عارفی‌پور	۱۳۸۹	«آیات قیامت در قرآن از منظر نظریه ساختارگرایی با تأکید بر سوره حاقه»
۱۷	پایان‌نامه	حدیث دولتشاه	۱۳۹۲	«تحلیل ساختارگرایانه سوره قمر»
۱۸	مقاله	مینا جیگاره، زهرا صادقی	۱۳۹۵	«بررسی و تحلیل سوره انفطار با تکیه بر نظریه ساختارگرایی»
۱۹	مقاله	علی خضری، رسول بلاوی، آمنه فروزان کمالی	۱۳۹۵	«نگاهی سبک‌شناختی به سوره یس با تکیه بر دیدگاه‌های ساختارگرایی»

اولین آثار در حوزه نظریه ساختارگرا، آثار عارفی‌پور (۱۶)، دولتشاه (۱۷) و جیگاره و صادقی (۱۸) است. اثر خضری و همکاران (۱۹)، اولین و تنها اثر با تصریح به عنوان سبک‌شناسی ساختارگراست. گفتنی است هر چهار اثر، علی‌رغم تفاوت جزئی در عنوان و البته تفاوت در سوره مورد مطالعه، در عمل، مؤلفه و اصول سبک‌شناسی ساختارگرا را در سور مختلف پیاده‌سازی کرده‌اند و از جهت روشی و نحوه تحلیل، تفاوت آشکاری میان آن‌ها مشاهده نمی‌شود. این تفاوت عناوین، که هم در این رویکرد و هم در سایر رویکردها مکرراً مشاهده می‌شود، حاکی از این است که هنوز انسجام مورد نیاز در مباحث علمی، میان محققان حاکم نشده است و این به نوبه خود ناشی از جدیدبودن مباحث و عناوین آن‌ها و در بسیاری موارد، عدم توجه به حدود مرزهای مصطلحات زبان‌شناسی در کاربرست قرآنی آن‌هاست.

همچنین، رویکردهای ساختارگرا و لایه‌ای به یکدیگر بسیار شباهت دارند، به گونه‌ای که در هر دو رویکرد، لایه‌های آوایی، واژگانی، صرفی و نحوی بررسی می‌شوند اما در رویکرد ساختارگرا بیشتر روابط

۵۱. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۶.

بین عناصر و ساختار کلی بررسی می‌شود و در رویکرد لایه‌ای بیشتر لایه‌های مجزا و ترکیب آن‌ها مورد دقت قرار می‌گیرد. گرچه تفکیک میان این دو رویکرد کار مشکلی به نظر می‌رسد، به گونه‌ای که در دوره‌های بعدی حتی اگر سخن از رویکرد ساختارگراست اما در عمل رویکرد لایه‌ای بررسی می‌شود،^{۵۲} همین شباهت سبب شده است تا عملاً در دوره‌های بعدی اثری از رویکرد ساختارگرا نباشد و در واقع، مباحث آن در ذیل رویکرد لایه‌ای دنبال شود.

۴.۲.۳. رویکرد گفتمانی

این رویکرد که در دهه هفتاد قرن بیستم مطرح شد، به مطالعه ساختارهای متون از طریق بررسی ویژگی‌های زبانی، اجتماعی و فرهنگی متون می‌پردازد و هدف آن، هم در مکتب انگلیسی-آمریکایی که به بررسی گفتمان از جهت گفتار و هم در مکتب فرانسوی (میشل فوکو)^{۵۳} که به بررسی گفتمان از جهت متن و نوشتار می‌پردازد،^{۵۴} بررسی پیوند میان متن و بافت (نهادی، اجتماعی و سیاسی) است. در واقع، تحلیل گفتمانی به بررسی ناگفته‌های یک متن و لایه‌های زیرین گفتار می‌پردازد^{۵۵} و زبان را در قلمرویی فراتر از جمله بررسی می‌کند. ریشه این مباحث را می‌توان در منابع اسلامی یافت؛ جایی که بلاغیون، مفسران، اصولیان و دانشمندان علوم قرآنی به ارتباط میان متن و بافت توجه کامل داشته‌اند.^{۵۶}

سبک‌شناس در این رویکرد، تنها به سطح نحوی می‌پردازد؛ بدین شکل که ابتدا خود سطح نحوی که دارای دو لایه به نام سبک نحوی گسسته (برای جملات مستقل) و سبک نحوی هم‌پایه (برای جمله‌های مرتبط با هم) است را باید در متن مشخص کند. در مرحله بعدی، سبک‌شناس باید جمله‌ها را به لحاظ کنش‌گفتاری (ناگفته‌های یک متن شامل شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی و...)،^{۵۷} که خود به پنج گروه (کنش تصریحی یا اظهاری، کنش ترغیبی، کنش عاطفی، کنش تعهدی و کنش اعلامی)^{۵۸} تقسیم می‌شود، بررسی و مشخص کند. در مرحله بعد به بررسی تضادهای میان آنچه در متن هست و آنچه در متن نیست اما در ارتباط با متن است، واکاوی دلیل انتخاب موضوع‌های مختلف در متن، چرایی تأکید، حذف و بزرگ‌نمایی در بیان مطالب و درنهایت، ایدئولوژی حاکم بر متن می‌پردازد. در مرحله آخر به روابط بینامتنی متن و بافت فرهنگی-اجتماعی توجه می‌کند که برای این کار توجه به متون روایی، فقهی، کلامی و فلسفی

۵۲. نک: بشارتی و همکاران، «کاوشی در صورت و محتوای نامه امام علی(ع) به عثمان بن حنیف (براساس رویکرد سبک‌شناسی ساختارگرا)»، سراسر مقاله.

53. Paul Michel Foucault

۵۴. مکاریک، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ۲۶۱.

۵۵. فضانالی و همکاران، «تحلیل خطی پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، ۸۳.

۵۶. نک: عموش، گفتمان قرآن (بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن)، ۴۱-۱۳۰.

۵۷. یارمحمدی، گفتمان‌شناسی رایج انتقادی، ۳۵.

۵۸. نک: سرل، افعال گفتاری، ۱۳-۱۹.

برای کشف روابط پنهان متن حائز اهمیت هستند؛ مباحثی از قبیل: قراین حالیه و مقالیه، دلالت‌های ضمنی و التزامی، اراده جدی و استعمالی،^{۵۹} اسباب نزول، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، سیاق و تناسب بین آیات و سور.^{۶۰}

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۲۰	مقاله	رضا شکرانی، مهدی مطیع، هدی صادق‌زادگان	۱۳۹۰	«بررسی روش گفتمان‌کاوی و چگونگی کاربری آن در مطالعات قرآنی»
۲۱	مقاله	محمد جرفی، عباد محمدیان	۱۳۹۳	«بررسی سورة عبس از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو»
۲۲	مقاله	محمده قادری، حسین خاکپور	۱۳۹۸	«بررسی و تحلیل سورة مجادله براساس سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو»
۲۳	مقاله	عبدالاحد غیبی، فرشته اصغری	۱۴۰۱	«تحلیل بلاغی سورة «قلم» با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو»

توجه قرآن‌پژوهان ایرانی به رویکرد سبک‌شناسی گفتمانی را باید مرهون اثر «شکرانی و همکاران» (۲۰) دانست. در این اثر، مباحثی چون پیشینه مفهوم گفتمان و گفتمان‌کاوی، مراحل گفتمان‌کاوی و چگونگی کاربری گفتمان‌کاوی در تحلیل آیات عصری قرآن مطرح و شش مرحله؛ شامل واکاوی و فهرست‌برداری از واژگان، جمله‌ها و گزاره‌ها، چگونگی پیوستگی متن به لحاظ ساختاری و معنایی، تعیین ساختارهای درونی متن و معنای کلان آن، بررسی فهرستی از تضادهای دوگانه مابین متن و خارج متن و درنهایت، توجه به روابط بینامتنی نص و همچنین بافت فرهنگی-اجتماعی، بررسی و تأکید شده است. متأسفانه در این اثر، خلط میان حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی، از جمله حوزه معناشناسی و حوزه سبک‌شناسی و حتی خلط میان رویکردهای مختلف سبک‌شناسی؛ از جمله رویکرد انتقادی، بیانی و گفتمانی مشاهده می‌شود.

اثر «جرفی و محمدیان» (۲۱) اولین مطالعه موردی جدی درباره بخشی از قرآن به رویکرد سبک‌شناسی گفتمانی است. این اثر اگرچه به مبانی و پیش‌فرض‌های سبک‌شناسی گفتمانی ورودی نداشته؛ اما از لحاظ معین‌کردن معیارهای سبک‌شناسی گفتمانی و کاربری آن، اثر قابل قبولی است. اثر

۵۹. شکرانی و همکاران، «بررسی روش گفتمان‌کاوی و چگونگی کاربری آن در مطالعات قرآنی»، ۹۶.

۶۰. عموش، گفتمان قرآن (بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن)، ۸۲.

«قادی و خاکپور» (۲۲)، در واقع نوعی کپی برداری از اثر (۲۱) است و مباحث عمده‌ای از اثر (۲۱) عیناً و بدون هیچ تغییری در اثر (۲۲) تکرار شده است و عملاً مطلب اضافه‌ای نسبت به اثر (۲۱) ندارد، جز اینکه سوره دیگری را بررسی کرده است. اثر «غیبی و اصغری» (۲۳) نیز ادامه‌ای بر دو اثر (۲۱) و (۲۲) است و مطلب جدیدی ندارد.

۴.۲.۴. رویکرد نقش‌گرا

این رویکرد که در اواخر دهه هفتاد میلادی در مقابل سبک‌شناسی صورت‌گرا و عمدتاً متأثر از افرادی مثل «هلیدی»^{۶۱} (انسجام) و «رقیه حسن» (پیوستگی انسجامی) مطرح شد، به بررسی زبان در کاربرد می‌پردازد؛ بدین معنا که هر گزینش زبانی، زمانی نقش‌مند و معنادار است که در یک بافت، نظام اجتماعی، نظام اعتقادی یا فرهنگ قرار گرفته باشد.^{۶۲} سبک‌شناس در اینجا عناصر دستوری، نقشی و معنایی را برای توضیح «نقش معنایی» می‌خواهد.^{۶۳} در اینجا سه فرانقش اجتماعی عمده؛ شامل فرانقش اندیشگانی (بیان تجربه‌های درونی و بیرونی)، فرانقش بینافردی (بیان احساسات و کاربرد صورت‌های زبانی مناسب در برخوردهای اجتماعی) و فرانقش متنی و جمله‌سازی (که گوینده را قادر می‌سازد آنچه که می‌خواهد را منسجم و ساختارمند در قالب متن بیان کند) تحلیل می‌شوند.^{۶۴} در فرانقش اجتماعی (تجربی) شش فرایند (مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، کلامی، وجودی)^{۶۵} برای دستیابی به احساسات، اعتقادات و تأثرات صاحب کلام از طریق ساختار گذرایی (تعدی) تحلیل می‌شوند. در فرانقش متنی عوامل ساختاری (ساخت مبتدا-خبری، آغازگر-پایان‌بخش، نشان‌دار-بی‌نشان بودن، ساخت اطلاعاتی و توازن) و عوامل غیرساختاری در سه بخش واژگانی (تکرار، هم‌آیی، هم‌معنایی، تضاد معنایی، رابطه جزء به کل و جزء به جزء)، دستوری (ارجاع، حذف و جایگزینی و ادات ربط) و آوایی (جناس، سجع و موازات) برای بررسی انسجام و تناسب متن با بافت کلام، مورد تحلیل سبک‌شناس قرار می‌گیرند.^{۶۶} در فرانقش بینافردی ساختار وجهی (خبر و انشا) و باقی‌مانده عناصر (گزاره‌ساز، متمم، ادات) تحلیل می‌شوند.^{۶۷}

61. Michael Halliday

۶۲. راستگو، «جایگزینی واژگانی در مشابهات قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا»، ۵۷-۵۸.

۶۳. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۷.

۶۴. نک: صالحی، «علم معانی و دستور نقش‌گرای هلیدی»، ۳۵-۳۷.

۶۵. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۹.

۶۶. راستگو، «جایگزینی واژگانی در مشابهات قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا»، ۵۸؛ حسینی و همکاران، «سبک‌شناسی گفتار خطبه ۴۲ نهج البلاغه بر مبنای نظریه نقش‌گرای هلیدی»، ۸۳.

۶۷. صادقی و همکاران، «تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»، ۵۴.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۲۴	مقاله	سیدمصطفی احمدزاده	۱۳۸۷	«تفسیر زبان‌شناختی سوره عصر»
۲۵	مقاله	طاهره ایشانی، معصومه نعمتی قزوینی	۱۳۹۲	«بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»
۲۶	مقاله	علی صادقی، حسن نقی‌زاده، سیدمحمدکاظم طباطبایی	۱۳۹۴	«تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»
۲۷	مقاله	کبری راستگو	۱۳۹۵	«جایگزینی واژگانی در متشابهات قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا»
۲۸	مقاله	علی سلیمی، سمیه نادری	۱۳۹۶	«خوانش ساختار بازنمودی قرآن براساس رویکرد نقش‌گرا (مطالعه مورد پژوهانه: سوره طها)»

برخلاف سایر رویکردهای سبک‌شناسی، سبک‌شناسی نقش‌گرا با همین عنوان، کمتر مورد استقبال قرآن‌پژوهان قرار گرفته است، ازجمله اثر احمدزاده (۲۴) که اساساً نامی از سبک‌شناسی نقش‌گرا نمی‌برد، درحالی‌که پژوهش او با استفاده از برخی مؤلفه‌های این رویکرد نگارش شده است. همچنین آثار دیگری؛ مانند اثر ایشانی و نعمتی (۲۵)، صادقی و همکاران (۲۶) و سلیمی و نادری (۲۸) اگرچه با تصریح در عنوان به رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا تعلق دارند؛ اما در عمل به مؤلفه‌های این رویکرد پایبندی ویژه‌ای را نشان نمی‌دهند.

اثر راستگو (۲۷) شاید تنها اثری در این زمینه باشد که با عنوان سبک‌شناسی نقش‌گرا تدوین شده و دقیقاً مؤلفه‌های این رویکرد سبک‌شناسی را به کار برده است. این موضوع نشان می‌دهد در میان قرآن‌پژوهان، مرزبندی روشنی در به‌کارگیری اصطلاحات زبان‌شناسی در تحقیقاتشان وجود ندارد و در این خصوص، از اصطلاح بسیار عام «تفسیر زبان‌شناختی» تا کاربرد محدودتری؛ چون «زبان‌شناسی نقش‌گرا» و تا اصطلاح دقیق «سبک‌شناسی نقش‌گرا» مشاهده می‌شود.

در این دوره تسرع در تطبیق دو دانش را می‌توان احساس کرد. نمونه آن را می‌توان در سبک‌شناسی نقش‌گرا یافت؛ جایی که مفهومی به نام ساختار گذرایی (تعدی) مطرح می‌شود که آن را به معنای تمایز میان

افعالی که نیاز به مفعول دارند و افعالی که نیاز به مفعول ندارند، دانسته‌اند،^{۶۸} درحالی که ساختار گذرایی به کل بند نظر دارد، نه فقط به فعل^{۶۹} و اساساً هدف سبک‌شناس نقش‌گرا تحلیل بند است، نه فعل.^{۷۰} نمونه دیگر این تقلیل معنایی را باید در تعریف فرایند دانست که آن را به فعل ترجمه می‌کنند،^{۷۱} درحالی که فرایند (process) ناظر به روند انجام یک کار است و نه صرفاً یک فعل (verb) خاص. از همین رهگذر، افعال موجود در قرآن را مورد توجه قرار می‌دهند و شش فرایند مدنظر در سبک‌شناسی نقش‌گرا را بر آن‌ها تطبیق می‌کنند و حال آنکه، نقش‌گرای نظام‌مند به جای بحث درباره فعل، مفهومی به نام فرایند را مطرح می‌کند.^{۷۲}

۳.۴. ظهور رویکردهای پیچیده‌تر سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی

در این دوره که آشنایی زیادی با مباحث سبک‌شناسی در میان پژوهشگران حاصل شده و از طرفی پرداختن به تمام لایه‌های زبانی باتوجه به اینکه هر لایه زبانی دارای چندین مؤلفه است و اینکه گاه یک مؤلفه، خود می‌تواند موضوع پژوهش در یک سوره باشد، موجب شده است که تحقیقات، متمرکز بر یک لایه زبانی یا یک مؤلفه خاص از یک لایه زبانی باشد که هم بر عمق و غنای مباحث می‌افزاید و هم باعث شده مباحث زیبایی‌شناختی و بلاغی قرآن که در علوم بلاغی مقداری به آن‌ها پرداخته شده، امروزه از گستره زیاد و ارائه شواهد فراوان قرآنی برخوردار باشد.

همچنین در این دوره، تمرکز بر مباحث نظری و بنیانی در مطالعات سبک‌شناسی افزایش پیدا کرد و در ضمن، این ایراد، که سخن از بررسی تمام سطوح باشد اما در عمل برخی از سطوح بررسی شود، کمتر وجود دارد.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۲۹	مقاله	مرتضی سازجینی، عباس یوسفی تازه‌کندی	۱۳۹۵	«سبک‌شناسی سوره جمعه»
۳۰	مقاله	مرتضی سازجینی، عباس یوسفی تازه‌کندی	۱۳۹۵	«سبک‌شناسی سوره ذاریات»

۶۸. عزیزخانی و همکاران، «کاربست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره انشراح»، ۷۳.

۶۹. سلیمی، نادری، «خوانش ساختار بازنمودی قرآن براساس رویکرد نقش‌گرا (مطالعه موردپژوهانه: سوره طها)»، ۱۳۴.

۷۰. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۹.

۷۱. سلیمی، نادری، «خوانش ساختار بازنمودی قرآن براساس رویکرد نقش‌گرا (مطالعه موردپژوهانه: سوره طها)»، ۱۳۷.

۷۲. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۹.

آجیلیان مافوق، بامری؛ جریان‌شناسی مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران / ۲۹

۳۱	مقاله	عسگر بابازاده اقدم، حسین تک‌تبار فیروزجایی	۱۳۹۷	«سبک‌شناسی سورة قمر»
۳۲	مقاله	عسگر بابازاده اقدم، فاطمه فیوروقی	۱۳۹۸	«سبک‌شناسی سورة نازعات»

در این دوره هنوز تحقیقاتی به‌سان دوره‌های قبل و با همان ایرادها یافت می‌شود؛ مانند آثار سازجینی و یوسفی تازه‌کندی (۲۹) و (۳۰) و سایر مقاله‌های این گروه، همچنین آثار بابازاده اقدم و همکاران (۳۱) و (۳۲) و... که در سطوح آوایی، صرفی، نحوی، بلاغی و فکری به بررسی سوره‌ها پرداخته‌اند. این آثار در واقع، به‌نوعی تکرار الگویی از پژوهش‌های دوره‌های قبل هستند.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۳۳	مقاله	صلاح‌الدین عبدی، جواد محمدزاده	۱۳۹۴	«التناوب ظاهرة اسلوبية في القرآن الكريم (دراسة في سورة الاعراف نموذجاً)»
۳۴	مقاله	رضا رمضانی اسفند	۱۳۹۵	«بررسی سبک‌شناختی خطاب نداء در سوره‌های مدنی قرآن کریم»
۳۵	مقاله	مینا پیرزادینا، مالک عبدی، راضیه قاسمی	۱۳۹۵	«بررسی لایه آوایی سورة مبارکه انبیاء از منظر سبک‌شناسی»

آغاز این دوره، اواسط دهه ۹۰ و تا زمان شکل‌گیری پژوهش (تابستان ۱۴۰۳) ادامه دارد؛ جایی که عبدی و محمدزاده (۳۳)، تنها مؤلفه تناوب را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های لایه نحوی، در اثر خود بررسی کرده و رمضانی اسفند (۳۴) در اثر خود، تنها، شاخصه نداء را در سطوح صرفی، نحوی، بلاغی و تفسیری بررسی کرده است.

از ویژگی‌های این دوره توجه به مباحث نظری یک مؤلفه خاص و عمیق‌بخشی به آن‌هاست، به‌گونه‌ای که بخش شایان توجهی از ساختار یک مقاله به مباحث نظری اختصاص می‌یابد؛ برای مثال، اثر پیرزادینا و همکاران (۳۵) علاوه بر اینکه تنها به لایه آوایی پرداخته، مباحث نظری مربوط به آواشناسی قرآنی را نیز تاحدودی مطرح کرده است.

با آغاز به کار فصلنامه مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم در سال ۱۳۹۶ که ضرورت آن به‌شدت در میان مطالعات زبان‌شناختی قرآن احساس می‌شد، فصل جدیدی از مطالعات سبک‌شناختی تخصصی قرآن آغاز شد که گرچه مطالعات مربوط به سایر حوزه‌های زبانی، همانند معناشناختی و کاربردشناختی به‌وفور در آن یافت می‌شود؛ اما تمرکز اصلی آن بر مباحث سبک‌شناختی است. نگاهی به فهرست

مقاله‌های منتشرشده فصلنامه از آغازین شماره‌ها تا به امروز، حاکی از تخصصی شدن مباحث سبک‌شناختی، عمق‌بخشی به مطالعات، توجه به مبانی نظری، استفاده از شواهد آیه‌ای فراوان برای هر مبحث و پیوند ایجادکردن میان مباحث سبک‌شناسی با سایر مطالعات زبان‌شناسی، ازجمله معناشناسی و کاربردشناسی است.

در این دوره شاهد تخصصی‌تر شدن رویکردهای مختلف سبک‌شناسی هستیم. برای مثال، در رویکردهای سبک‌شناسی گفتمانی، نظریه‌های خاص این نوع؛ مانند نظریه جان آستین یا نظریه سرل یا یک مؤلفه خاص گفتمانی مدنظر قرار گرفته است و اکثر پژوهش‌های اخیر این رویکرد، براساس این دو نظریه (آستین یا سرل) یا یک مؤلفه خاص از این نظریه‌ها انجام می‌شود که حکایت از روندی جدید از مطالعات سبک‌شناسی گفتمانی دارد.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۳۶	مقاله	ابراهیم فلاح، اعظم دهقانی نیسیانی	۱۳۹۸	«سبک‌شناسی گفتمانی ساختارهای مجهول (جزء سی‌ام قرآن کریم)»
۳۷	مقاله	کلثوم شیک، حمید صباحی گراغانی، مرتضی عرب	۱۴۰۰	«سبک‌شناسی گفتمانی سوره مؤمنون؛ مطالعه موردی لایه بلاغت»

در همین راستا، اثر فلاح و دهقانی نیسیانی (۳۶)، ساختارهای مجهول را به‌عنوان ساختارهایی که مفهومی فراتر از مفهوم ظاهری جمله را نشان می‌دهند، مورد تحلیل سبک‌شناسی گفتمانی قرار می‌دهد. در این اثر، نیمی از ساختارهای مجهول جزء سی به‌صورت تصادفی بررسی شده است. اثر دیگر در این زمینه از شیک و همکاران (۳۷) است که برای اولین بار به جای لایه نحوی به لایه بلاغی توجه می‌کند و در آن به بلاغت بینافردی، بلاغت ساختاری و نقش آن‌ها در تحلیل گفتمانی سوره مؤمنون می‌پردازد. گفتنی است این دو مؤلفه در هیچ مقاله سبک‌شناسی گفتمانی قبل از این اثر بررسی نشده است.

در این دوره علاوه بر تخصصی شدن رویکردها، شاهد ظهور رویکرد سبک‌شناسی انتقادی هستیم که رویکردی نسبتاً جدید و البته پیچیده‌تر از سایر رویکردها در حوزه سبک‌شناسی قرآنی است. این رویکرد را بدین جهت که آمیخته‌ای از چند رویکرد سبک‌شناسی است، می‌توان تاحدودی بهترین نوع سبک‌شناسی دانست؛ چراکه به متن و بافت و ایدئولوژی حاکم بر متن توجه دارد اما متأسفانه در مطالعات قرآنی بدان کمتر توجه شده است.

سبک‌شناسی انتقادی، رویکردی است که نحوه شکل‌گیری مفاهیم اجتماعی همچون، گفتمان،

ایدئولوژی و قدرت در زبان و شیوه‌بازنمایی آن‌ها را تحلیل می‌کند. این رویکرد که برگرفته‌شده از زبان‌شناسی انتقادی، تحلیل گفتمان انتقادی، نظریه‌گفتمان و نظریه‌نقش‌گرای هلیدی است،^{۷۳} هدف از بررسی سبک را کشف فرایندهای ایدئولوژیکی پنهان در متن می‌داند.^{۷۴} در تفاوت میان تحلیل گفتمان انتقادی و سبک‌شناسی انتقادی می‌توان گفت که تحلیل گفتمان انتقادی بیشتر بر جامعه تمرکز دارد و متن، درجه‌ای برای ورود به مباحث اجتماعی و فرهنگی است، درحالی‌که سبک‌شناسی انتقادی اگرچه دارای اهداف و ابزارهای مشترک با تحلیل گفتمان انتقادی است؛ بیشتر بر متن تمرکز دارد و ویژگی‌های سبکی متون را در بافت اجتماعی و باتوجه‌به مقوله‌های ایدئولوژی و قدرت بررسی می‌کند.^{۷۵} «راجر فاولر»^{۷۶} (۱۹۹۹) پیش‌گام و طلایه‌دار سبک‌شناسی انتقادی، بازنمایی تجربه از خلال زبان، معنا و جهان‌بینی، نقش خواننده و همچنین رابطه بین متن و بافت را وظیفه سبک‌شناسی انتقادی می‌داند.^{۷۷} «جفریز»^{۷۸} در کتابش با نام «سبک‌شناسی انتقادی» (۲۰۱۰م) سعی کرد مجموعه ابزارهایی برای تحلیل انتقادی موفق ارائه دهد.^{۷۹} این ابزارها عبارت‌اند از: نامیدن و توصیف‌کردن،^{۸۰} بازنمایی کنش‌ها، رخدادها، فرایندهای اسنادی،^{۸۱} ترادف‌ها و تقابل‌ها،^{۸۲} مثال‌زدن و نام‌بردن،^{۸۳} اطلاعات و نظرهای مهم‌تر،^{۸۴} معانی ضمنی و حقایق مسلم،^{۸۵} منفی‌کردن،^{۸۶} فرضیه‌سازی،^{۸۷} بیان گفته و اندیشه مشارکان دیگر^{۸۸} و بازنمایی زمان، مکان و جامعه.^{۸۹} این ابزارهای ده‌گانه به سبک‌شناس کمک می‌کند تا باورهای پنهان‌گوینده و میزان سرسپردگی‌اش به ایدئولوژی‌ها را مشخص کند.

۷۳. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۸۶.

۷۴. درپر، «سبک‌شناسی انتقادی رویکردی نوین در بررسی سبک براساس تحلیل گفتمان انتقادی»، ۴۵.

۷۵. درپر، «سبک‌شناسی انتقادی رویکردی نوین در بررسی سبک براساس تحلیل گفتمان انتقادی»، ۴۱.

76. Roger Fowler

77. Fowler, *Linguistic Criticism*, 66-90.

78. L. Jeffries

79. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 14.

80. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 17.

81. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 37.

82. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 52.

83. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 56.

84. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 77.

85. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 93.

86. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 111.

87. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 118.

88. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 133.

89. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 146.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۳۸	مقاله	طاهره حیدری	۱۳۹۸	تحلیل دیدگاه روایی در سوره طه با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی انتقادی سیمپسون

اثر حیدری (۳۸) از جمله مقالاتی است که با رویکرد سبک‌شناسی انتقادی نگارش شده است. در این اثر، دیدگاه روایی، با بررسی چهار مؤلفه زمان، مکان، روان‌شناسی و عناصر وجهی (وجهیت)، داستان حضرت موسی (ع) مورد تحلیل سبک‌شناختی قرار گرفته تا از این طریق، ایدئولوژی حاکم بر متن کشف شود.

در دیدگاه زمانی، بررسی واقع‌گرایی متن و میزان فاصله‌راوی از موضوع از طریق زمان‌های ماضی، مضارع، استقبال و نیز اسم‌هایی چون «الان»، «فردا»، «آینده» و... صورت گرفته است. زاویه دید مکانی، بیانگر موضع راوی داستان است. در دیدگاه روان‌شناختی، به لحن روایی در روایت (کانون‌سازی) پرداخته می‌شود. برای شناخت انواع وجه می‌توان از این موارد استفاده کرد: افعال کمکی وجهی، قیده‌های وجهی یا قیده‌های جمله، قیده‌ها و صفت‌های ارزش‌گذارانه، جمله‌های تعمیم‌دهنده، افعال شناختی و ادراکی و... طبق دسته‌بندی سیمپسون راوی می‌تواند نسبت به آنچه می‌گوید، دیدگاهی مثبت، منفی یا خنثی داشته باشد. نظام‌های وجهی، امری و التزامی نشان‌دهنده دیدگاه مثبت و نظام‌های معرفتی و ادراکی نمایانگر دیدگاه منفی و نبود این نظام‌ها نشان‌دهنده دیدگاه خنثی است.^{۹۰} نگارنده اثر با استفاده از این مؤلفه‌ها به تحلیل داستان حضرت موسی (ع) در سوره طه پرداخته است.

در این دوره عملاً برخی از رویکردها، از جمله رویکرد ساختارگرایانه، از دستور کار سبک‌شناسان قرآنی خارج می‌شود و عملاً تحقیق سبک‌شناسانه‌ای با این رویکرد صورت نمی‌گیرد. شاید علت عدم استقبال از سبک‌شناسی ساختارگرا در این دوره بدین دلیل باشد که مؤلفه‌های آن در دیگر رویکردها، خصوصاً رویکرد لایه‌ای مدّ نظر قرار گرفته است و لذا سبک‌شناسی آیات قرآن بیشتر از طریق سبک‌شناسی لایه‌ای پیگیری شده است تا سبک‌شناسی ساختارگرا، خصوصاً اینکه ساختارگرایی «دو سوسوری» توسط شاگردش «بالی» قاعده‌مند شد و با نام سبک‌شناسی بیانی (لایه‌ای) مطرح شد،^{۹۱} از این‌رو عملاً استقبال چندانی از سبک‌شناسی ساختارگرا نشد. دیگر اینکه، چون در این رویکرد عمدتاً اهمیت ساختار و شکل بیشتر از معناست، کمتر در تحلیل‌ها استفاده می‌شود، اگرچه که فرمالیست‌ها^{۹۲} همچنان از آن استفاده

۹۰. حیدری، «تحلیل دیدگاه روایی در سوره طه با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی انتقادی سیمپسون»، ۳۸-۳۹.

۹۱. هندوای، التفسیر الاسلوبی للقرآن الکریم؛ عرض و تقویم، ۴۰.

۹۲. از دیدگاه فرمالیت‌ها، یک اثر ادبی صرفاً فرم و ساخت محض است و تنها آن را به عنوان مسئله‌ای زبانی بررسی می‌کنند و عقاید و افکار نویسنده را در متن هرگز دخالت نمی‌دهند (یاوری، وفایی، «تأثیر مکررها در ایجاد لحن در غزلیات شمس از دیدگاه فرمالیستی»، ۱۶۴).

می‌کنند. شاید به دلیل همین توجه به ساختار و فرم است که سبک‌شناسی فرمالیستی (صورت‌گرا) در مطالعات قرآنی تاکنون استفاده نشده است.

۵. آینده‌پژوهی

همان‌طور که «جفریز» در کتابش بر ضرورت شناسایی ابزارهای جدید سبک‌شناسی علاوه‌بر آنچه که او بدان‌ها دست یافته، اشاره کرده است،^{۹۳} باید محققان قرآنی بر یافتن ابزارهای جدید سبک‌شناسی متناسب با قرآن و در راستای اهداف قرآنی اهتمام فراوان داشته باشند؛ چرا که قرآن کتابی است فراتر از نظم و نثر بشری که ویژگی‌های فرامتنی و فراسبکی آن موجب شده بالاتر از هر متن بشری باشد، لذا ابزارهای متناسب با خودش را لازم دارد تا ویژگی‌های سبکی‌اش را آن‌چنان که باید مورد شناسایی و تحلیل قرار دهد. محدودکردن دامنه استفاده از رویکردها به چند رویکرد خاص و عدم استفاده از سایر رویکردها؛ مثل سبک‌شناسی زنانه، آماری، چندرسانه‌ای، شناختی، پیکره‌ای، بنیادگرا و... در مطالعات قرآنی، از دیگر امور است که باید بدان توجه شود. برای مثال، می‌توان آیات مربوط به حضرت مریم، حضرت آسیه، آیات ابتدایی سوره مجادله و تحریم و نیز برخی از آیات سوره یوسف را با رویکرد زنانه تحلیل کرد تا ویژگی‌های سبک زنانه از نگاه قرآن مشخص شود و بتوان تحلیل دقیق‌تری از آیات ارائه کرد و از سبک‌شناسی پیکره‌ای نیز برای تحلیل سوره‌های بزرگ قرآن استفاده کرد.

همچنین انتظار این است که در استخراج ابزارها از درون متن قرآنی، ویژگی‌های خاص هر متن قرآنی لحاظ شود. برای نمونه، ابزارهایی که برای تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سبکی آیات الاحکام، داستان‌ها، عقاید، آیات مربوط به ویژگی‌های قیامت و بهشت و جهنم و... لازم است، متفاوت از یکدیگرند.

نتیجه‌گیری

بررسی جریان‌شناسانه مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران نتایج ذیل را به همراه داشت:

مطالعات سبک‌شناسی قرآن شامل سه دوره است: ورود، رشد و تخصصی‌شدن مطالعات. دوره ورود مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران که مربوط به بازه زمانی اواسط دهه ۷۰ شمسی تا اواخر دهه ۸۰ است، علاوه‌بر ترجمه آثار عرب‌زبانانی چون محمدکریم کواز، خلود العموش و عبدالرئوف حسین، برخی از محققان داخلی نیز ورود به مطالعات سبک‌شناسی داشته‌اند که افرادی همچون دیبانی و ساجدی افراد شاخص این دوره هستند. ویژگی این دوره، مواردی همچون کلی‌گویی و مشخص نبودن چهارچوب‌های

۹۳. درپر، «سبک‌شناسی انتقادی رویکردی نوین در بررسی سبک براساس تحلیل گفتمان انتقادی»، ۴۸.

مباحث، ابتدایی بودن و غیرکاربردی بودن مطالعات، عدم تفکیک میان سبک‌شناسی جدید با مباحث بلاغت قدیم و ضعف در بنیان‌های نظری است.

دوره بعدی، که دوره رشد نسبی و گسترش مطالعات و مربوط به اواخر دهه ۸۰ شمسی تا اواسط دهه ۹۰ است، با چهار رویکرد لایه‌ای، ساختارگرا، گفتمانی و نقش‌گرا دنبال شد که البته عمده مطالعات با رویکرد لایه‌ای به انجام رسید. اولین مطالعات این دوره توسط محققانی چون خاقانی، شاملی، حسنعلیان و نظری و همکاران انجام شده است. مهم‌ترین شاخصه‌های این دوره توجه به بنیادهای نظری، تطبیق مباحث بر آیات قرآن، تکرر پژوهش‌های صورت‌گرفته نسبت به دوره اول، حرکت به سمت تخصصی‌تر شدن مطالعات و استفاده از رویکردهای سبک‌شناسانه یاد شده است.

دوره سوم که دوره ظهور رویکردهای پیچیده‌تر و تخصصی‌شدن مطالعات قرآن‌پژوهانه و مربوط به اواسط دهه ۹۰ تا حال حاضر است، در آثار افرادی چون فلاح و دهقانی، شیبک و همکاران و حیدری به‌عنوان افراد شاخص این دوره نمود داشته است. ازجمله ویژگی‌های شاخص این دوره عبارت است از: تمرکز بر یک لایه زبانی یا یک مؤلفه خاص از یک لایه زبانی، عمق‌بخشی به مطالعات، توجه به مبانی نظری، توجه به یک نظریه خاص از یک رویکرد سبک‌شناسی، ظهور رویکرد انتقادی، استفاده از شواهد آیه‌ای فراوان برای هر مبحث و پیوند ایجادکردن میان مباحث سبک‌شناسی با سایر مطالعات زبان‌شناسی؛ ازجمله معناشناسی و کاربردشناسی.

از آنجاکه مطالعات سبک‌شناختی قرآن در ابتدای راه قرار دارد، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران قرآنی به مطالعات سبک‌شناسی تخصصی به‌عنوان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی جدید، که خصوصاً در چند سال اخیر رشد قابل ملاحظه کمی و کیفی داشته و به ظهور رویکردهای جدید، ازجمله سبک‌شناسی شناختی، پردازشی و پست‌مدرن انجامیده، توجه بیشتری داشته باشند تا شاهد افزایش بهره‌وری، کیفیت، عمق‌بخشی و تخصصی‌شدن در مطالعات سبک‌شناسی قرآن باشیم.

منابع

قرآن کریم.

ابن منظور، محمدبن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

ابن جنی، عثمان بن جنی. الخصائص. بیروت: دار الهدی، بی‌تا.

ابوالعدوس، یوسف. البلاغة و الاسلوبية مقدمات عامه. بیروت: الاهلیه للنشر والتوزیع، چاپ اول، بی‌تا.

بشارتی، فاطمه و همکاران. «کاوشی در صورت و محتوای نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف (براساس رویکرد سبک‌شناسی ساختارگرا)». پژوهش‌های قرآن و حدیث. س ۵۳، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۹): ۲۹-۵۰.

<https://doi.org/10.22059/jqst.2020.296280.669460>

جبر، عثمان مصطفی. الدراسات الاسلوبية العربية بين النظرية و التطبيق. عمان: وزارة الثقافة، چاپ اول، ۲۰۰۷م. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان. دلائل الاعجاز. به تحقیق محمود محمدشاکر. قاهره: مطبعة المدني، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.

جیگاره، مینا، صادقی، زهرا. «بررسی و تحلیل سورة انفطار با تکیه بر نظریه ساختارگرایی». پژوهشنامه نقد ادب عربی. ش ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵): ۷۴-۵۰.

حسنوند، صحبت‌اله. «تحلیل متن سورة مریم براساس نظریه کنش گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل». پژوهش‌های ادبی-قرآنی. س ۷، ش ۲ (تابستان ۱۳۹۸): ۴۵-۶۵.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452234.1398.7.2.3.3>

حسینی، عبدالله، زهره ناعمی، مریم اطهری‌نیا. «سبک‌شناسی گفتمان خطبه ۴۲ نهج البلاغه بر مبنای نظریه نقش‌گرایی هلیدی». فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه. دوره ۱۱، ش ۴۱ (بهار ۱۴۰۲): ۷۳-۹۵.

<https://doi.org/10.22084/nahj.2023.27590.2912>

حیدری، طاهره. «تحلیل دیدگاه روایی در سورة طه با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی انتقادی سیمپسون». پژوهش‌های ادبی-قرآنی. س ۷، ش ۲۵ (بهار ۱۳۹۸): ۳۳-۵۶.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452234.1398.7.1.2.0>

خاقانی، محمد، محمدجعفر اصغری. «سبک‌شناسی سورة مریم (ع)». فصلنامه لسان مبین. س ۲، ش ۱ (۱۳۸۹): ۹۳-۱۰۶.

درپر، مریم. «سبک‌شناسی انتقادی رویکردی نوین در بررسی سبک براساس تحلیل گفتمان انتقادی». نقد ادبی. س ۵، ش ۱۷ (بهار ۱۳۹۱): ۵۹-۷۰. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.20080360.1391.5.17.7.3>

درویش، احمد. الاسلوب و الاسلوبية. بی‌جا: مجله فصول، ۱۹۸۴م. درویش، احمد. النص البلاغي في التراث العربي و الادبی. قاهره: مكتبة النصر، جامعة القاهرة، بی‌تا.

راجحی، عبده. علم اللغة و النقد الادبی (علم الاسلوب). بی‌جا: مجله فصول، ۱۹۸۱م. راستگو، کبری. «جایگزینی واژگانی در متشابهات قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا». زبان و ادبیات عربی. س ۸، ش ۱۵ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵): ۵۱-۸۵. <https://doi.org/10.22067/jall.v8i15.53520>

زرین‌کوب، عبدالحسین. نظریه‌های ادبی ایران معاصر: از ابتدا تا پایان قرن بیست و یکم. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۵.

زرین‌کوب، عبدالحسین. شعر بی‌دروغ-شعر بی‌نقاب. تهران: جاویدان، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.

زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف. بیروت: دار المعرفة، بی‌تا.

زهراء، فاطمه. الأبعاد الأسلوبية في النص القرآنی. دمشق: دار الفكر، ۲۰۲۳م.

سادات‌الحسینی، راضیه سادات و همکاران. «بررسی و تحلیل نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی در پرتوی نظریه

نقش گرای هلیدی». جستارهای زبانی. س ۷، ش ۲ (خرداد و تیر ۱۳۹۵): ۱۲۳-۱۴۲.

<http://lrr.modares.ac.ir/article-14-3540-fa.html>

سرل، جان آر. افعال گفتاری. ترجمه محمدعلی عبدالهی. قم: پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
سلیمی، علی، نادری، سمیه. «خوانش ساختار بازنمودی قرآن بر اساس رویکرد نقش گرا؛ مطالعه موردی پژوهانه: سوره طها». پژوهش های ادبی-قرآنی. س ۵، ش ۱ (بهار ۱۳۹۶): ۱۲۹-۱۴۹.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452234.1396.5.1.6.0>

سوسور، فردینان دو. دوره زبان شناسی عمومی. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس، ۱۳۷۸.
سیبویه، عمرو بن عثمان. الکتاب. قاهره: المطبعة الكبرى الاميرية ببولاق المصر المحمية، ۱۳۱۷.
سیدی، سیدحسین، محمدعلی کاظمی تبار. «سبک شناسی خطاب های خداوند به پیامبر اکرم (ص)». مجله زبان پژوهی. س ۶، ش ۱۰ (بهار ۱۳۹۳): ۸۵-۱۲۰. <https://doi.org/10.22051/jlr.2014.1083>

شفیعی سروستانی، محمدرضا. سبک شناسی ادبی: رویکردی نظری به متون ادبی. تهران: سمت، ۱۳۹۵.
شکرانی، رضا، مهدی مطیع، هدی صادق زادگان. «بررسی روش گفتارمان کاوی و چگونگی کاربست آن در مطالعات قرآنی». عیار پژوهش در علوم انسانی. س ۳، ش ۵/۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۰): ۹۳-۱۲۲.

شمیسا، سیروس. کلیات سبک شناسی. تهران: فردوس، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
شوقی بنین، احمد. الأسلوبية و تحليل الخطاب: مقاربات نظرية و تطبيقية. بیروت: دار الفارابی، ۲۰۲۱ م.
صادقی، علی، حسن نقی زاده، سید محمد کاظم طباطبائی. «تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه زبان شناسی نقش گرای نظام مند هلیدی». مطالعات تفسیری. س ۶، ش ۲۲ (تابستان ۱۳۹۴): ۴۵-۶۶.

<http://tafsir.maaref.ac.ir/article-1-293-fa.html>

صالحی، فاطمه. «علم معانی و دستور نقش گرای هلیدی». کتاب ماه ادبیات. ش ۱۲۲/۸ (آذر ۱۳۸۶): ۳۲-۴۱.
صدقی، حامد، پرنوش، اشرف. «سبک شناسی ساختارگرایانه خطبه ۸۷ نهج البلاغه». پژوهشنامه نقد ادب عربی. ش ۱۸ (بهار و تابستان ۱۳۹۸): ۱۷۱-۲۰۳.

طرابلسی، محمد هادی. خصائص الاسلوب فی الشوقیات، تونس: منشورات الجامعة التونسية، ۱۹۸۱ م.
عبدالرئوف، حسین. سبک شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی). ترجمه پرویز آزادی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۰.

عبدالمطلب، محمد. البلاغة و الاسلوبية. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۴ م.
عدمان، عزیز محمد. سورة الفرقان: دراسة اسلوبية. اردن: الجامعة الاردنية، ۱۹۹۰ م.
عزیزخانی، مریم، سیدرضا نجفی سلیمانزاده، نصرالله شاملی. «کاربست دستور نقش گرای هلیدی بر سوره انشراح». پژوهش های ادبی-قرآنی. س ۵، ش ۴ (زمستان ۱۳۹۶): ۶۹-۹۵.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452234.1396.5.4.4.4>

عموش، خلود. گفتمان قرآن (بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن). ترجمه سیدحسین سیدی. تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۸.

غذامی، عبدالله. بلاغة النص: قراءات فی الأسلوبية و تحليل الخطاب. المغرب: الدار البيضاء، المركز الثقافي العربی، ۲۰۲۰م.

فتوحی، محمود. سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن، ۱۳۹۰.

فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. العین. به تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. بیروت: دار الهجرة، المطبعة الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

فضائلی، سیده مریم، محمد نگارش. «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری». مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث. س ۴۳، شماره پیاپی ۸۶/۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۰): ۸۱-۱۱۸.

<https://doi.org/10.22067/naqhs.v43i1.7939>

فضل، صلاح. بلاغة الخطاب و علم النص. کویت: سلسلة عالم المعرفة، ۱۹۹۲م.

قائمی، محمدجواد. مقدمه‌ای بر سبک‌شناسی ادبی. تهران: سخن، ۱۳۹۴.

کواز، محمدکریم. سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن. ترجمه سیدحسین سیدی. تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۷.

جیرو، بیبر. الأسلوبية. ترجمه منذر عیاشی. حلب: مرکز الإنماء الحضاری، چاپ دوم، ۱۹۹۴م.

مکاریک، ایرناریما. دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.

مؤمن‌نژاد، ابوالحسن، مرتضی سازجینی، سیدمحمد موسوی. «سبک‌شناسی سورة نازعات». پژوهش‌های ادبی - قرآنی. س ۵، ش ۴ (زمستان ۱۳۹۶): ۲۵-۴۷.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452234.1396.5.4.2.2>

نصرتی، شعبان، مرتضی سازجینی، عباس یوسفی تازہ‌کنندی. «سبک‌شناسی سورة ذاریات». ذهن. ش ۷۱ (پاییز ۱۳۹۶): ۲۰۱-۲۲۷.

هنداوی، عبدالحمید. التفسیر الاسلوبی للقرآن الکریم؛ عرض و تقویم. بی‌جا: مرکز التفسیر للدراسات القرآنية، بی‌تا.

هنداوی، عبدالحمید. مستويات دلالة الكلمة بين البلاغة و الأسلوبية. قاهره: مجلة كلية دار العلوم جامعة القاهرة، ۲۰۱۰م.

یارمحمدی، لطف‌الله. گفتمان‌شناسی رایج انتقادی. تهران: سمت، ۱۳۸۵.

یاوری، فاطمه، عباسعلی وفاپی. «تأثیر مکررها در ایجاد لحن در غزلیات شمس از دیدگاه فرمالیستی». مجله شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز. س ۹ (زمستان ۱۳۹۶): ۱۶۳-۱۸۰.

<https://doi.org/10.22099/jba.2017.25007.2633>

یوسفی، غلامحسین. «نظری به سبک‌شناسی استاد بهار». نشریه آینده. س ۱۰، ش ۳-۲ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۳).

<http://bahar-site.fr/sabkshenasiBaharYousefi.htm>

Burke, Michael. *The Routledge Handbook of Stylistics*. New York: Routledge, 2017.

Eagleton, Terry. *Literary Theory: An Introduction*. Oxford: Blackwell Publishing, 1983.

Fowler, Roger. *Linguistic Criticism*. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press, 1996.

Jefferson, Ann, and David Robey. *Modern Literary Theory: A Comparative Introduction*. New York: Routledge, 1982.

Jeffries, Lesley. *Critical Stylistics: The Power of English*. Houndmills, Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2010.

Leitch, Vincent B., ed. *The Norton Anthology of Theory and Criticism*. New York: W. W. Norton & Company, 2001.

Simpson, Paul. *Stylistics: A Resource Book for Students*. New York: Routledge, 2014.

Stockwell, Peter. *Cognitive Poetics: An Introduction*. New York: Routledge, 2020.

Transliterated Bibliography

Qurān-i Karīm.

‘Abd al-Muṭalib, Muḥammad. *al-Balāghah wa al-Uslūbiya*. Cairo: al-Ḥiy’at al-Miṣriya al-‘Āmma li-l-Kitāb, 1984/1404.

‘Abd al-Raṭf, Ḥusayn. *Sabkshināsī Qurān-i Karīm (Tahlīl Zabānī)*. Translated by Parvīz Āzādī. Tehran: Imam Sadiq(AS) University. Chāp-i Awwal, 2012/1390.

Abū al-‘Adūs, Yūsuf. *al-Balāghah wa al-Uslūbiya Muqadamāt ‘Āmah*. Beirut: al-Aḥiyya li-l-Nashr wa al-Tawzī‘, Chāp-i Awwal, s.d.

‘Admān, ‘Azīz Muḥammad. *Sūrah al-Furqān: Dirāsa Uslūbiya*. Urdun: al-Jāmi‘a al-Urduniya, 1990/1368.

Amush, Khulud. *Guftimān Qurān (Barrisi Zabānshinākhti Piyyand-i Matn va Bāft Qurān)*. Translated by Sayyid Ḥusayn Siydi, Tehran: Sūkhan, Chāp-i Awwal, 2010/1388.

‘Azizkhānī, Maryam. Sayyid Rizā Najafi Sulaymānzādah; Naṣr Allāh Shāmili. "Kārbast Dastūr Naqshgirāy Halliday bar Sūrah-yi Inshirāh". *Pazhūhish-hā-yi Adabī- Qurānī*. Yr. 5, no. 4 (winter 2018/1396): 69-95.

Bishārati, Faṭimah et al. "Kāvushī dar Šurat va Mutavāy Nāmāh-yi Imām ‘Alī (AS) bi ‘Uthmān ibn Ḥunayf (bar Asās Rūykard Sabkshināsī Sākhtārgirā)". *Pazhūhish-hā-yi Qurān va Hadīth*. Yr. 53, no. 1 (spring and

summer, 2021/1399): 29-50.

Darpar, Maryam. "Sabkshināsī Intiqādī Rūykardī Nuvīn dar Barrisī Sabk bar Asās Taḥlīl Guftimān Intiqādī".

Naqd Adabī. Yr. 5, no. 17 (spring 2013/1391): 59-70.

Darvīsh, Aḥmad. *al-Naṣṣ al-Balāghī fī al-Tūrāth al-‘Arabī wa al-Adabī*. Cairo: Maktaba al-Naṣr, al-Jāmi‘a al-Qāhirih, s.d.

Faḍā’ilī, Sayyidah Maryam; Muḥammad Nigārish. "Taḥlīl Khuṭbih-yi 51 Nahj al-Balāgha bar Asās Ṭabaqihbandī Searle az Kunish Guftārī". *Muṭālī‘āt-i Islāmī: ‘Ulūm-i Qurān va Ḥadīth*. Yr. 43, no. 86/3, (spring and summer 2012/1390): 81-118.

Faḍl, Ṣalāḥ. *al-Balāghah al-Khiṭāb wa ‘Ilm al-Naṣṣ*. Kuwait: Silsila‘Ālam al-Ma‘rifa, 1992/1412.

Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. *al-‘Ayn*. researched by Maḥdī Makhzūmī wa Ibrāhīm Sāmarrāī. Beirut: Dār al-Hijrat, al-Maṭba‘a al-Ṣadr, Chāp-i Duwum, 1990/1410.

Futūḥī, Maḥmūd. *Sabkshināsī: Nazāriyah-hā’, Rūykard-hā’ va Ravīsh-hā’*. Tehran: Sūkhan, 2012/1390.

Ghadhāmī, ‘Abd Allāh. *al-Balāghah al-Naṣṣ. Qarā‘āt al-Uslūbiya wa Taḥlīl al-Khiṭāb*. Al-Maghrib: Dār al-Bayda’, al-Markaz Thaqāfī ‘Arabī, 2020/1398.

Ḥasanvand, Ṣuḥbat Allāḥ. "Taḥlīl Matn Sūrah-yi Maryam bar Asās Nazāriyah-yi Kunish Guftārī bā Taḥlīl bar Ulḡū-yi John Searle". *Pazhūhish-hā-yi Adabī- Qurānī*. Yr. 7, no. 2 (summer 2020/1398): 45-65.

Ḥaydarī, Ṭahirih. "Taḥlīl Didgāh-i Rivāyī dar Sūrah-yi Ṭāhā bā Tikīyih bar Ulḡū-yi Sabkshināsī Intiqādī Simpson". *Pazhūhish-hā-yi Adabī- Qurānī*. Yr.7, no. 1/25 (spring 2020/1398): 33-56.

Hindāwī, Abd al-Ḥanīd. *al-Tafsīr al-Uslūbī li-l-Qurān al-Karīm*; ‘Arḍ wa Taqwīm. S.l. Markaz al-Tafsīr li-l-Dirāsāt al-Qurānīya, s.d.

Hindāwī, Abd al-Ḥanīd. *Mustawīyāt Dalāla al-Kalima Bayn al-Balāghah wa al-Uslūbiya*. Cairo: Majalah Kuliya Dār al-‘Ulūm al-Jāmi‘a al-Qāhirih, 2010/1388.

Ḥusaynī, ‘Abd Allāh; Zuhrih Nā‘imī; Maryam Aṭḥarīniyā. "Sabkshināsī Guftimān Khuṭbih-yi 42 Nahj al-Balāgha bar Mabnāy Nazāriyah-yi Naqshgirāy Halliday". *Faṣḥnāmih-yi Pazhūhishnāmah-yi Nahj al-Balāgha*. Durih-yi 11, no. 41 (spring 2023/1402): 73-95.

Ibn Jinī, ‘Uthmān ibn Jinī. *al-Khaṣṣā‘ish*. Beirut: Dār al-Hudā, s.d.

Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Ṣādir, Chāp-i Sivum, 1993/1414.

Jabr, Uthmān Muṣṭafā. *al-Dirāsāt al-Uslūbiya al-‘Arabīya bayn al-Nazarīya wa al-Taṭbīq*. ‘Umān: Vizārat al-Thaqāfa, Chāp-i Awwal, 2007/1428.

Jigārih, Mīnā. Ṣādiqī, Zahrā. "Barrisī va Taḥlīl Sūrah-yi Infiṭār bā Tikīyih bar Nazariyah-yi Sākhtārgirāyī". *Pazhūhishnāmāh-yi Naqd Adab ‘Arabī*. No. 13 (autumn and winter 2017/1395): 50-74.

Jirū, Biyir. *al-Uslūbiya*. translated by Mundhir ‘Ayāshī. Ḥalab: Markaz al-Inmā’ al-Ḥiḍārī, Chāp-i Duwum, 1994/1414.

Jurjānī, ‘Abd al-Qāhir ibn ‘Abd al-Raḥmān. *Dalā’il al-Ijāz*. researched by Aḥmad Muḥammad Shākīr, Cairo: Maṭba‘a al-Madanī, Chāp-i Sivum, 1993/1413.

Kawwaz, Muhammad Karim. *Sabkshināsī I’jāz Balāghī Qurān*. translated by Sayyid Ḥusayn Siydi. Tehran: Sūkhan, Chāp-i Awwal, 1968/1387.

Khāqānī, Muḥammad, Muḥammad Ja‘far Aṣgharī. "Sabkshināsī Sūrah-yi Maryam (AS)". *Faṣḥnāmih-yi Lisān Mubīn*. Yr. 2, no. 1 (2011/1389): 93-106.

Makaryk, Irena Rima. *Dānishnāmāh-yi Nazariyah-hā-yi Adabī Mu‘āṣir*. translated by Mihrān Muhājir va Muhammad Nabawī. Tehran: Āgh, Chāp-i Chāhārum, 1970/1390.

Mu‘innizhād, Abū al-Ḥasan; Murtaḍā Sāzjīnī; , Sayyid Muḥammad Mūsavī. "Sabkshināsī Sūrah-yi Nāzi‘āt". *Pazhūhish-hā-yi Adabī- Qurānī*. Yr. 5, no. 4 (winter 2018/1396): 25-47.

Nuṣratī, Sh‘bān; Murtaḍā Sāzjīnī; ‘Abbās Yūsufī. "Sabkshināsī Sūrah-yi Dhārī‘āt". *Zihn*. No. 71 (autumn 2018/1396): 201-227.

Qā’imī, Muḥammad Javād. *Muqaddamah-i bar Sabkshināsī Adabī*. Tehran: Sūkhan, 2016/1394.

Rājīhī, ‘Abduh. *‘Ilm al-Lughā wa al-Naqd al-Adabī (‘Ilm al-Uslūb)*. S.l. *Majalah-yi Fuṣūl*, 1981/1401.

Rāstgū, Kubrā. "Jāyguzinī Vāzhigānī dar Mutashābihāt Qurānī bā Rūykard Sabkshināsī Naqshgirā". *Zabān va Adabiyāt ‘Arabī*. Yr. 8, no. 15 (autumn and winter 2017/1395): 51-85.

Sādāt al-Ḥusaynī, Rāziyih Sādāt et al. "Barrisī va Taḥlīl Nazariyah-yi Naẓm ‘Abd al-Qāhir Jurjānī dar Partūy Nazarcyah-yi Naqshgirāy Halliday". *Justārḥā-yi Zabānī*. Yr. 7, no. 2 (Khurdād va Tīr 2017/1395): 123-142.

Ṣādiqī, ‘Alī; Ḥasan Naqīzādīh; Sayyid Muḥammad Kāzim Ṭabāṭabāyī. "Tafsīr Sākhtārī Sūrah-yi Kawthar bar Pāyih-yi Nazariyah-yi Zabānshināsī Naqshgirāy Nizāmmand Halliday". *Muṭālī‘āt-i Tafsīrī*. Yr. 6, no. 22,

(summer 2016/1394): 45-66.

Şālīhī, Fāṭimah. " 'Ilm Ma'ānī va Naqsh Dastūr Naqshgīrāy Halliday". *Kitāb Māh Adabīyāt*. No. 122/8 (Āzar 2008/1386): 32-41.

Salīmī, 'Alī, Nādirī, Sumayih. "Khānīsh Sāktār Bāznīmūdī Qurān bar Asās Rūykard Naqshgīrā; Muṭālī'ih-yi Mūrīdpazhūhānīh: Sūrah-yi Ṭāhā". *Pazhūhish-hā-yi Adabī- Qurānī*. Yr.5, no. 1 (spring 2018/1396): 129-149.

Saussure, Ferdinand de. *Durih-yi Zabānshināsī 'Umūmī*. Translated by Kūrūsh Şafavī, Tehran: Hirmis, 2000/1378.

Searle, John R. *Af'āl Guftārī*. Translated by Muḥammad 'Alī 'Abd Allāhī. Qum: Pazhūhishgāh-i 'Ulūm Insānī, Chāp-i Awwal, 1966/1385.

Shafī'ī Sarvistānī, Muḥammad Rizā. *Sabkshināsī Adabī: Rūykardī Nazārī bi Mutūn Adabī*. Tehran: Samt, 2017/1395.

Shamīsā, Sīrūs. *Kuliyāt Sabkshināsī*. Tehran: Firdūs, Chāp-i Chāhārum, 1996/1375.

Shukrānī, Rizā; Mahdī Muṭī; Hudā Şādiqzādīgān. " Barrisi Ravish Guftimānkāvī va Chigūnigī Kārbast ān dar Muṭālī'āt-i Qurānī". *'Ayār Pazhūhish dar 'Ulūm-i Insānī*. Yr. 3, no. 5/1 (spring and summer 2012/1390): 93-122.

Shūqī Banibīn, Aḥmad. *al-Uslūbiya wa Taḥlīl al-Khiṭāb: Muqāribāt Nazariya wa al-Taṭbiqiya*. Beirut: Dār al-Fārābī, 2021/1399.

Sībawayh, 'Amr ibn 'Uthmān. *al-Kitāb*. Cairo: Maṭba'a al-Kubrā al

Şidqī, Hāmid. Parnūsh, Ashraf. " Sabkshināsī Sāktārgīrāyānīh-yi Khuṭbih-yi 87 Nahj al-Balāgha". *Pazhūhishnāmāh-yi Naqd Adab 'Arabī*. No. 18 (spring and summer 2020/1398): 171-203.

Siydī, Sayyid Ḥusayn; Muḥammad 'Alī Kāzīmītabār. " Sabkshināsī Khīṭāb-hā-yi Khudāvand bi Payāmbar Akram (pbuh). *Majalah-yi Zabānpazhūhī*, yr.6, no. 10 (spring 2014/1393): 85-120.

Ṭīrāblusī, Muḥammad Hādī. *Khaṣā'ish al-Uslūb fī al-Shawqiyyāt*. Tūnis: Manshūrāt al-Jāmi'a al-Tūnisiya, 1981/1401.

Yār Muḥammadī, Luṭf Allāh. *Guftimānshināsī Rāyij Intiqādī*. Tehran: Samt, 2006/1385.

Yāvarī, Fāṭimah; 'Abbās 'Alī Vafāyī. " Ta'şīr Mukarrhā dar Ijād Lahñ dar Ghazaliyāt Shams az Dīdgāh-i

- Farmālīstī". Majalah-yi Shi'rpazhūhī (Būstān Adab) Shiraz University. Yr. 9 (winter 2018/1396): 163-180.
- Yūsufī, Ghulām Ḥusayn. "Naẓarī bi Sabkshināsī Ustād Bahār". *Nashrīyeh-yi Āyandih*. Yr. 10, no. 2-3 (Urdibihisht va Khurdād 1984/1363).
- Zahrā', Faṭimah. *al-Ab'ād al-Uslūbiya fī al-Naṣṣ al-Qurānī*. Dimashq: Dār al-Fikr, 2023/1401.
- Zamakhsharī, Maḥmūd ibn 'Umar. *al-Kashāf*. Beirut: Dār al-Ma'rifa, s.d.
- Zarīn kūb, 'Abd al-Ḥusayn. *Naẓariyah-yi Adabī Irān Mu'āshir*: az Ibtidā tā Pāyan Qarn Bist va Yikum. Tehran: Niḡāh Mu'āshir, 2006/1385.
- Zarīn kūb, 'Abd al-Ḥusayn. *Shi'r bi Durūgh- Shi'r bi Niqāb*. Tehran: Jāvidān, Chāp-i Chāhārum, 1984/1363.

